

امید برویان بسته و دروازه های ترقی و پیشرفت مسدود گردیده، ای برادران عزیز، ای خواهران محبوب، در این وقت خطرناک تأییدات ملائک شریفانقوی لازم و در این دم محاسن صفات روح القدس الهی واجب، هی هی بر خیزید، هی هی شجاعی ابراز دارید، هی هی در راه تمدن وطن جانبازی کنید، هی هی اغراض شخصی را کنار گذارید، هی هی جام لبریز روح علوم و فنون را بیاشامید، هی هی در نشر معارف وطن بکوشید، هی هی در نهایت اتحاد و اتفاق بتعلیم و تعلم اطفال وطن پردازید.

(من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم)

(تو خواه از سخن بند گیر و خواه ملال)

(کیسیون رسمی از ایرانها باید)

(بآمریک فرستاد)

اگر مجلس ملی و دولت علیه ابراهام منمودند و کیسیون رسمی مرکب از بزرگان و وطنخواهان ملت محض تحصیل مسائل تمدن جدید اروپا و آمریکا فرستند شکر نیست که نتایج نیکو در بر خواهد داشت، مثلاً چنین کیسیون باید از ۲۰ الی پانزده نفر دارا باشد و ترجیح ماهر همراه داشته باشند تا هر یک در شعبه مخصوص تحصیلات نموده اطلاعات مفیده و کامل بدست بیاورد و در کتب راپورت قید نماید و در وقت رجعت آنچه دیده و شنیده و تحصیل کرده اند موازنه و مقابله نموده بر حسب مقتضیات مملکت بکار بیندازند، یکی در مسئله تربیت، دیگری در فن زراعت، این در علم معادن، آن در فابریقهجات، روزنامه نویسی، مالیه، عدلیه، مکانیک، مهندسی، بانک، مدنی، پولیس و غیره و غیره تدقیقات وافیه بنمایند و با رؤساء هر اداره صحبت نموده اطلاعات جمع کنند، سری در مدارس و دارالفنون های بزرگ داخل کنند، مریضخانه ها فابریقه ها، اداره های کشتی سازی، قشون، قوه بحر و بر، بنگها، ادارات حکومت، عدلیه ها، حبس ها، شهرها، هر چه هست و بیست مجسم خود به بینند و راپورت های مفصل بنویسند، چنین کیسیون رسمی اگر به تکالیف عالیّه خود عمل نماید سبب ترقی و حیات ایران تواند گردید ولی اگر بمحض ورود بآمریک خانهای پرورش خوش اندام قشنگ و ملوس چشم

آبی بر عشوه و ناز قلوب آنها را بر بایند و نیاتر و خوش گذرانی مقام انجام تکالیف را بگیرد خرساندن آن بهتر از فرستادن است زیرا اسباب فصاحت و بی آبروی ایران خواهد گردید ولی نویسند را یقین چنان است که امروز در ایران نفوس پیدا میشوند که ترقی ملت را مدول دارند و هیچ چیز آنها را از این راه مستقیم گمراه نمی نماید، مقصود از این مطلب نه آنکه نیاتر رفتن علامت بدکاری است بل نیاتر و هنر تشخیص یکی از علوم شریف غرب است و اگر یک نفر از اعضاء کیسیون این علم را بطور تدقیق تحصیل نماید خیلی خوب و برای آینده تاشا خانه های ابراهام بسیار مفید خواهد بود، اما مقصود آنکه چوٹ هنوز ما ایرانها ملطاف این علم بی نبرده ایم و از فوائد تعلیمی و تربیتی آن آگاه نگشته ایم آنرا آله ماو و لب فرض نموده چون به ممالک غرب می آیم هر چیزی را فراموش و وقاصی و نیاتر رفتن و صرف و شراب خوردن و تعریف حال خانها را نمودن یاد میگیریم و در وقت رجعت بوطن عزیز شرح این وقایع را برای دوستان خود نحوه میبریم، باری از اصل مطلب دور نیفتیم، مقصود این کیسیون ملی رسمی که عرض شد باید بسیار عالی باشد و بملاوه باید اوراق اعتبار از وزیر امور و خارجه پارلمان ملی در دست داشته باشد تا از جانب دولت و ملت امریکا احترامات لازمه بجا آورده شود، بل قبل از حرکت کیسیون باید دولت علیه بوزارت امور خارجه امریک رسماً خبر دهد که چنین کیسیون منضم فلان و فلان محض تحصیل مسائل ذیل بآمریک فرستاده میشود تا اسباب ضیافت رسناه آنها میبایست نموده رئیس جمهور را ملاقات کرده و وسائل تحقیق نکات لازمه را سهل و آسان نمایند و بر حسب علامات وقت هر قدر چنین کیسیون زودتر باین صفحات فرستاده شود برای ایران بهتراست و اگر طول اقامت و سفر کیسیون یکسال مقرر گردد کافی خواهد بود و معلوم است که اخراجات آن باید از خزانه ملت داده شود و شکی نیست مجلس دارالتورای کبری که لسان ملت است در چنین موقی همت عظیم ظاهر خواهد فرمود همچنین مسلم است که اعضاء همین تربیتی ایران و

امریک و هیئت آن بر حسب قوه مقدار خود در خدمت چنین کیسیونت محترمی خواهند کوشید و اسباب راحت و آسایش و تماشای فراموش خواهند آورد امروز دولت بیدار شده چین هر سال چنین کیسیون ها از بزرگان و دوستاناران وطن خود با امریک فرستاده و دولت جمهوری نهایت احترام را نسبت با آنها بجای آورده و حضرات جمیع مسائل مدنیه جدید را تحصیل و پس از مراجعت ب وطن بعمل می آورند ، و باین وسیله در قلیل مدتی ترقیات قابل ملاحظه نمودند ، دولت ژاپون هم با وجود تمدن سریع الحركه خود سالی نمیگذرد که يك کیسیون معتبر با امریک فرستد ، حتی دولت مشروطه جدید عثمانی تازه باین فکر افتاده کیسیون مفصلی از بنجاء ضرر تجار و مالپون و بزرگان مملکت بفریب فرستاده که افکار جدید و اوضاع مدیعی را دیده و تحصیل نموده سبب ترقی و تمدن ممالک خود گردد .

← انجمن اخوت معلمین مدارس باید ←

(تأسیس نمود)

هر دولتی که در ساء مدارس و دبستانها برای تربیت اطفال وطن قیام نموده ، و در این طریق ترقیات خارق العاده کرده معلمین مدارس محض آنکه رشته اتحاد در میانان محکم گردد و همیشه رمائل تربیت و تعلیم اطفال بر حسب مقتضیات وقت و زمان آگاه گردند انجمن اخوت معلمین مدارس را در میان خود تشکیل نموده و هر یکسال یکدفعه انجمن عمومی بزرگ منعقد نمایند و در مسائل مسلک و روش تربیت کتب ، اخلاق محصلین ، ترقی علوم و فنون و غیره صحبت نموده و آنچه خود بداند از سائر دول اخذ نمایند ، حال چقدر مفید و بر نتیجه خواهد بود ، اگر تداً معلمین مدارس طهران چنین انجمنی تأسیس نموده و کم کم شبه های آن را در سایر شهر های ایران بیدار کنند ، هر کس تسلیم میباشد که چنین انجمن نریزی برای حالیه ایران بسیار لازم و بتدریج منبع علوم و مسائل شرق خواهد گردید ، و اگر هیئت این انجمن يك کیتبه دائمی مترجمین از لسان ایران انتخاب میکنند و بصواب دید انجمن کتب تاریخیه و علمیه و فقهیه انگلیس و فرانسه و آلمان و امریک را به فارسی ترجمه

کنند و نشر دهند و دوره کتب تدوین شاگردان مدارس را تنظیم و تصحیح نمایند خدمت بزرگی ب وطن خود نموده اند ، و بسی معلوم است که این انجمن باید سال بسال سر شماری عدد مدارس ، شماره شاگردان ، عدد معلمین ، خرج مدارس و غیره و غیره را جمع آوری نموده محض ظاهر ساختن ترقی معارف ایران پیشنهاد نمایند ، و اگر فوسی در طهران ب فکر تشکیل چنین انجمنی بیفتند با انجمن تربیتی ایران و امریک از باب مراسم بگاری در آمده همه گونه تأیید و کمک بجای آوردم . خواهد شد برخیز که میرود زمستان * بگشای درسرای بستان و خیز که ماد صبح نوروز * در مانجه میکند گل افشان ناریخ و بنشسه بر طبق نه * منقل بگذار در شبستان خاموشی ببلان مشتاق * در موسم گل ندارد امکان خزینه دار انجمن تربیتی ایران و امریک

← گوینده گوید ←

(میخواهم بگویم ولی میترسم بی فایده باشد)

(بگویم یا نگویم)

میخواهم بگویم که آیا چه وقت ادارات قانونی شده و درست کار خواهد کرد و اگر خلاف قانون نمودند چرا مجازات داده نشود و آن خلاف های بین مأمور کاری عالی تر از مأموریت اولیه خود بشوند آخر چرا تصمیمات او را به هیچ شمردند ما اینکه هر روزه تلگرافات و لوائح شکایت آمیز با ما میدادند ولی میترسم بی فایده باشد

میخواهم بگویم که رئیس نظمیة يك مملکتی تمام عایدات اداره نظمیة را چرا همه را مخارج مینماید و هر روزه يك خرج دیگر مینماید بجای بی لروم نظمیة میترسد برای يك کار که برای انجام آن بکنتر لازم است چرا ده نفر بر آن کاری کرد و در اول تأسیس اداره نظمیة چند هزار تومان از يك صرافی قرض شده با اینکه حال اداره نظمیة عایدات دارد چرا این قرض را می دهد ، و این همه عایدات را بجای بی لروم مخارج می نماید چرا با احوال بعضی بیقانونیها را بعمل میآورد ، شخصی عزمی را برای يك حرف حق نباید گرفت و حبس کرد ، ولی میترسم بی فایده باشد ، میخواهم بگویم چرا بعضی اشخاص با اسم مشروطه طلبی میان افتاده و بعضی بیقانونیها را که در زمان و دوره وحشیت

نیز جائز نبود بعمل می آورد کسبکه ملی ۲۰ تومان
مخارج دارد چرا باید ملی صد تومان بگیرد در این
حال ضیق مالیه ایران در صورتیکه زیادتر از مقدار
۲۰ تومان نیزشان او نیست که موجب بگیرد باندازه
این هم می تواند کار بکند ملت که بخواند پول سرشار
خود را بیرون بریزد نیز این قدر موجب بکار کنان
خود نمیدهد تا چه رسد بملتی که دست تکدی پیش
اجاب دراز و باز نموده ، ولی میترسم بی فایده باشد ،
میخواهم بگویم در ایران قحط الرجال است که
باید يك نفر بجه شازده ساله را رئیس يك اداره
بزرگ مملکت با اهمیت نموده که راست را از چپ
فرق نمیدهد ، کو آن اشخاص عالم کار آگاه طهران
کو آن مردمان بیغرض ایران چه شدند آن مردان
و مردمان متدین با انصاف ، مگر حلام باز کارها
بدون لیاقت و کفایت مردم داده میشود مگر
حلام ملاحظه کار آگاهی را نمی نمایند ، حلام
برای آدم کار پیدا میکنند نه برای کار آدم ، ولی میترسم
بنایده باشد ، میخواهم بگویم ای ایرانیان ای یادگاران
کیان اجحافات روس کاسه صبر ما را بر کرد دست
درازی به عصمت و ناموس و دین ما میکنند چنانکه
می بینید خیالات شان درباره وطن ما معلوم است
همه عکس میداند تا کی در خوابید تا کی منجمد
هستید آیا يك نفر کاوه آهنگر نوعی در میان شما
نیست که علم شیروخورشید بالای چوب زده بر
دوش گذاشته پشا پیش رود ، تا مام از دنبال سر او
رای قلع و قمع صحاکان روس مثل ملت ژاپون
مدافه نماید و کار را از پیش ببریم وطن را از
مخاطره بیرون آوریم نامید ~~کسان~~ دیگر نه نشینیم
دیگران دلشان بحال ما نمی سوزد در فکر حال خود
هستند خودمان این اقدام و این کار را باید بکنیم
هرچه زودتر بهتر است ، استقلال وطن مقدس ما از
دست میرود این خوابهای طولانی ما عاقبتی وخیم دارد
ببجه آن جز پیرهن دریدن نیست ، آنوقت گریبان
چاک کردن ما نیز اتزی نه بخشد به فریاد ما گوش
نخواهند داد ، ای مردم ایران احوال اهالی قفقاز
را مشاهده و ملاحظه نماید بخود بیاید گوش
شنوا داشته باشید ، ما که عاقبت باید بذلت ببریم
بیاید گوی شرافت را در این دوره ترقی از
میدان ملل و دول بر بایم ، جرائد ملل را مشغول

فتوحات و جان بازی های خود سازیم بحال اسلام
وحم آریم ، ایران و خود مان را ذلیل و خنیف
تر از این روا نداریم و بدتر از یهود توسری طور
نباشیم ، حال امروزه ما بدتر از احوال یهودیان و
بی اسرائیلیان است که این ضایفه الحال در هر جا مدرسه
دارند برای تعمیم معارف خود شان ثروت دارند
تجارت دارند علم دارند جوانان عالم دارند حس
دارند نکات دارند هر روزه ترقی دارند آرو دارند
قدرت دارند دیگر توسری نمیخورند بیدار شده اند
برای هزار سال آتیه خود فکر میکنند در خواب
و عیش و نوش بستند بهرکار و اعمال خود سرحدی
قرار داده اند حال امروزه ما بدتر از احوال اولیه
آنهاست اگر آنها تنزل نمودند بزودی باز ترقی
نموده و بهتر از این هم ترقی خواهند نمود ولی اگر
ما زبام لال ماند تنزل نمائیم به نحت اسارت برویم
دیگر ترقی نخواهیم نمود ، خلاص نمودن خودمان
دیگر منتفع است این دوره غیر از ادوار سابقه
است ، امروز غیر از دیروز است می بگوئیم و
نمیکنیم اجانب از این غنلت ما نتیجه های خوب
برای خود شان حاصل مینمایند ، کو تجارت ما کو
صنعت ما کو قشون ما کو ثروت ما کو مدارس ما
کو اشخاص با علم و بیغرض ما کو راه آهن ما کو
سنگ ما کو کار کردن ما کو ادارات صحیح ما کو
کو کو ، ای فریدون با در و زین ای شاپور معرفت
آئین ، ای جمشید با فر و شید ای کواکب تابنده
ارایان خلق بحال ما نگرید بریشانی احوال ما را
به بیند خارهای سر راه ما را مشاهده نماید از پس
عصه خوردیم مردم نتیجه جز فلاسکت نگرفتیم
ای نادر دوران کجای با بحال رعایا و ودایع خود
بنگر به بین چگونه دست خوش اجانب شده ایم و
کسیرا بحال ما فکری نیست تماشای میکنند ، قهقهه
میزند ، شادی مینمایند ، ای بخت یاریان ای یادگاران
اردشیر بابکان مگر احوال ما را نمی بیند چرا پس
دست روی دست گذارده اید آیا راضی شده اید
مگر که طوق رقبت اجانب را بگردن در اندازید
آیا راضی شده اید که همه شما را مجبوراً به نحت
نظام بیاورند آیا راضی شده اید مگر که اجانب
شما را آلت پیشرفت خیالات خود قرار دهند ،
ای ایلات و عشایر مگر راضی شده اید که اجلب

بشا تسلط پیدا نمایند، آیا راضی شده اید مگر که
حالیات خود را بده برابر مضاعف بمأمورین خارجه
بردارند آیا راضی شده اید مگر که اجانب دست
درازی بناموس وعصمت شما کنند مگر خواهش دارید
که ملائک آسمان بیایند و برای شما کار بکنند،
آیا منتظرید که کارها خود بخود درست به شود
مگر عقیده تان این است که قشون اجانب خودش
از وطن ما بیرون رود چشم باز کنید به بینید
هر روزه يك رنگ دیگر روی کار میآوردند يك
برده دیگر می اندازند يك بازی دیگر مینمایند که
قشون خود را باین بهاء ها در حاک ما نگهدارند
رفته رفته خیالات خود را بانجام برساند، چنانکه
هر روزه اسباب توقف قشون خود را فراهم میآورد
ما که امروزه نتوانیم اینان را از وطن خود به حرف
و به پروتست برانیم فردا بمنازعه و مقاتله نیز نتوانیم
از خاک مقدس خودمان بیرون نمایم مگر ملاحظه
نمی نایید که بکرمانشاه نیز قشون خود را بتازکی وارد
نموده مگر در آنجا امنیت نبود حاکم نبود استعداد
طسای ایران بود نظمی بود آیا کدام از رعایای
وی در آنجا کشته شد مسلوب الحقوق گردیدند
به حقوق آنان در آنجا چه وقت دست درازی شده
ورود قشون بآنجا چه جبهه دارد بجه قاعده است،
چرا ما هیچ حرف نمی زنیم و برای ما علی السویه است
آخر اینها در وطن ما هستند میخواهند استقلال
شش هزار ساله ما را از دست بگیرند میخواهند
خود ما را تصاحب نمایند مثل بنده زر خرید با ما
رفتار نمایند ولی میترسم بیاید باشد

میخواهم بگویم ای ایرانیان آن ادواری که توفیق
فتح نصیب ایرانیان میکشت و از مغرب تا مشرق را
بزیر و کاب آورده بودند مردم را متفاد خویش ساخته
بودند همه حکمرانی میکردند به لشکرشان از حالا
زیاد تر بود به ثروتشان و به اقتدارشان ولی
این همه فتوح را از برکت عزم و اسخ همت و الا
مراقبت نامه اتحاد ملی ما فوق العاده انجام دادند،
اگر امروزه ما فقط اتحاد داشته باشیم دست بدست
دهیم تقاضا بروز دیگرگذاریم یا بالنکبه براندازیم
تمام این فتوحات میسر ما نیز میکردد باز تمام اجانب
را مرعوب و باج گذار خود خواهیم نمود، آنوقت
آنان نیز بادهایه کلیم خودشان یا دواز خواهند

کرد دیگر مثل فیل یاد هندوستان نخواهند نمود
دشمن امروزه ما بخود مملکت ما را ذلت و بدون
اقدام میخواهد تصاحب نماید اگر بداند ما در موقع
مخاطره وطن بمدافه حاضر خواهیم بود، فکر کار
خود را خواهد کرد امروز ما را به محسب شناخته
یعنی می بیند قشون بمملکت ما سوق میدهد صدای ما
بر نیاید هر چه اجحافات بعمل میآورد ما حرف
نمی زنیم حس نمیکنیم نمی فهمیم نمیدانیم انجام کار را
بعده مدبر میگذاریم از خود روحانیات خود
هر روزه میگذاریم ملک مستقیم خودمان را
از دست میدهم در يك کار جزئی مذاکره زیاد
میبایم بعد هم او را انجام میدهم مهمل و مطبل
میگذاریم جلو اجحافات روس در اول و دوم و
سیم مرتبه نمیگیریم اول در قزوین بخانه باشبانی چند
نفر از قزاق عالی روس رفته است و لا یعقل
به عصمت آن بیچاره دست درازی نمودند اقدامی
نه نمودیم، بعد دست کرده در میان بازار و دکاکین
قزوین افتاده بکبه و نجار قزوین صدمه زدند بلی
تمام اینها را من میدانم ولی نمیگویم چرا میترسم
بیقاید باشد

مکتوب اصفهان

باوجودیکه مطالب نوشتنی خیلی داشته و داریم
یعنی حوادث و وقوعات گفتنی در این دو ماهه بسیار
در اصفهان اتفاق افتاده ولی بواسطه مسافرتی که
برای نگارنده پیش آمد، که از قم و طهران هم
یکی دو فقره عریضه عرض کردم تعویقی در عریضحات
طاری شد و اخبار نا نویس ماند

مسئله که اهمیت فوق العاده حاصل نموده اعتشاش
و نا امنی اذراف است یکجندی بنابر معروف بواسطه
حرکت تیل قشقائی و بروز کدورتی باین سلبین
جلیلین و قوی بنابر تحریک عریب خان که حالیه
در خدمت صوله الدوله است اذراف اصفهان تا نجف رسیخی
شهر در کمال انقلاب و اعتشاش بود که قوافل را
در پشت دهات شهر بسلامتی بدون رادع و مانع
تاخت و تاراج مینمودند اسم سوار امنیه و جیره
خواستن و پول گرفتن آنهم اصفهانی را تنگ آورد
ولی رسمی نداشت و ندارد این اغتشاش و انقلاب
يك صورت ساده هه تا که ده انظار مردم است

کرده بود که کار به بعضی جاهای نازک هم رسیده می گفتند و دلایلی هم داشتند که ثیل قشقائی از فعالیت ثیل بختیاری محکوم نمیشود و سر طغیان برداشته باسم آنکه استرداد اموال غریب خان از وظایف حتمیه کدخدایان ثیل است قدری بحوالی اصفهان نزدیک شده بسمیرم و قته و اسرجان هم رخی نمودند و مراسلاتی فیابین حکومت اصفهان و سردار عشایر در این مورد ردوبدل شد حق از طرف ریاست انجمن هم دو نفر نماینده مبعوث شدند که خدمت سردار عشایر رفته از خیالات او استحضاری حاصل نمایند اقوال دیگر هم شنیده و گفته شد و باندازه هم بی ماخذ نبود از آنجمله آنکه حضرت ریاست بناهی با سردار عشایر مواضع در میان داشته و دارند که برای تجاوزات ثیل فعاله آنها را متزس نگاه بدارند، بواسطیک خوبی است اگر در این تبادل امنیت نصف ایران از میان نرود در هر حال مندوبین مراجعت نموده و چند قهرم تلگرافات حضوری با طهران و سردار عشایر شد و حاصل کلام آن شد که اموالی که در این بخران از عمر و زید بسرقت و غارت بردند و خبری هم نشد یکی دو قهره دهات حضرات بختیاری را هم قشقائی دست کاری نموده صحبت تهیه سوار و سرکوبی است ولی اصل مطلب مجهول است

این قضیه هنوز خاتمه نیافته که داستان نایب حسین کانی بیان آمد آن عالی جاه پس از غارت و فرار از اطراف کاشان نجیر و امامزاده آمده کاری پست را که مبلغ هنگفتی پول بانگ و سی چهل هزار تومان امانات دیگر که میگویند از حضرات بختیاری است غارت نمود و بطرف اردستان رهسپار شد. تقریباً دو بیست نفر سوار همراه دارد از اردستان هم پول و اسب قدری از مردم دریافت داشته بجانب زواره حرکت مینماید در آنجا هم بحایت انتظام الملك عرب قدری بر سادات زواره سنگبری نموده مال و پولی بدست میآورد و بطرف نائین حرکت فرموده اند، از آنطرف هم اردوی دولتی بریاست هژبرالسلطنه لر همه جا بنج فرسخ عقب سر او حرکت مینماید و هرچه او و همراهانش باقی میگذارند این اردو تصاحب مینماید و حالیه اردوی دولتی بارستان وارد شده و بنای تجدید

غارت گری است تا نایب حسین از دستبرد نائین فارغ شود اینها خودشان را بباقی مانده اموال مردم برسانند سرعت سیرشان خوب است، مدحت السلطنه که با چند نفر مجاهد در اردوی دولتی است از قرار مذکور با هژبرالسلطنه سازگار نیامده اند قهراً از بابت تقسیم اموال گفتگوی حاصل شده که بازجار کشیده است خلاصه نایب حسین غارت برده و با کمال رشادت بطرف نائین رفته و هژبرالسلطنه هم با کمال جلالت در اردستان تشریف دارند

اما ادارات و انجمن الحمد لله گرم کارند انجمن در این ماه اخیری بخیال اقتصاد است خود را منظم کند، یک چندی بواسطه علت آقای رئیس در اوکان آن سستی حاصل شده بود ولی حالا رئیس تشریف می آورند و مشغول تنظیم امور ادارات هستند گاهی بوزراء هم عتاب و خطاب درباره بعضی بی ملاحظه گی می شود هرگاه قدری خودشان را محکم نگاه بدارند، چون کسی بکسی نیست شاید فعالیت حاصل شود، اگر چه بزم بعضی ارباب بصیرت انجمن ولایتی اصفهان قدری از ضرور و وظایف خود خارج میشود ولی حال کابینه و تلون وزراء را که انسان ملاحظه میکند می بیند مناسب حال همین است بهتر نمیشود

اداره عدلیه چندی است ریاستش تبدیل یافته در زمان رئیس قدیم کارش بافتضاح رسیده بود و صورت مضحکی اتخاذ کرده بود رئیس جدید آن عمالت السلطنه است که مدتی در وزارت عدلیه بوده امید است همان طور که اسم دلالت دارد اداره را رسمیت و ممنویت بدهند زیرا عدلیه اهمیت فوق العاده در ادارات قانونی دارد

اداره تحدید تریاک و باندروول هم چندی است در اصفهان دابر شده ولی نه خود اداره بحالیت حرکت کرده و نه دیگران او را فرصت تنظیم داده است همه روزه رئیس اداره مورد خطاب و عتاب است باندروول مسکرات را بکلی منع کرده اند بجه دایل نمیدانم و حال آنکه بایدیش از غیر مسلمین بود دیگر آنکه هیئت جدیداً برای تحقیق امور مالییه از طهران اعزام شده اند یکی از وکلای انجمن رئیس کمیسیون است دو سه نفر از آنها هم از خود طلبی ها و از اهل اصفهان هستند ولی شوق

هیچی از وزارت میبرد معلوم میشود بنده هم بخیال
بپهران نوشته بودم بحال با پیشکار مایه در گفتگو
و کشمکش هستند مسئله تفاوت تعمیر که از ماموریتهای
همه آنهاست بحال خود باقی است طول دادن
مطلب هم چون مقرون بصره است لذا کافی السابق
در تحقیق مطالب میگذرانند

اداره نظیه هم حقوق ندارد آنها مجبور است
خوب اوشی پیش گرفته حدودات شرعی را بحتی
و جایی جاری مینماید

اداره ولایتی هم که باید بر سایر ادارات بیك
ملاحظه ریاست داشته باشد بالعکس تحت الشعاع واقع
است هر قدر گاهی شنیده میشود که انجمن به اداره
ولایتی اعتراضاتی وارد آورده و الا در جایی دیگر
نمایان نیست

اداره معارف هم بود نیست و نخواهد بود شده
نمیشود نخواهد شد

اداره مایه هم تبدیل بدو کیسیون شده است
یکی کیسیون انجمن یکی کیسیون تحقیق هر دو هم با
یکدیگر مخالفند

اداره امنیه هم در کمال نظم حاضر حیره گرفتن
است دزدان هم حاضر سرقت کردن

ولی اگر بخوام دروغ بنویسم الحمد لله شهر
اصنهان در تحت مراقبت حکومت در کمال انتظام و
امنیت است طرق و شوارع امنی ادارات تنظیم اداره
رسومات برقرار مردم بدناگوئی ذات ملکوتی صناعات
مشغول نایب حسن مخدول و منکوب طایف ایل
بختباری و قشقای ائتلاف و دوستی قائم کسی را با
کسی کاری نیست اگرچه باز از هر جهت که ملاحظه
میشود داخله اصنهان امنیتش بهتر از سایر ولایات
ایران است و حکومت با اساس مشروطه امروزه
همراهی دارد

اعتراضات انجمن به اداره ولایتی بالاخره مستغنی
داشتن مبصر الملك نایب الحکومه خاتمه یافت و بهانه
رشوه خواری بدست انجمن اقتضای بنیوت رساندن
آن را درست مسبوق نشده ام ولی اصل مقدمه و
اساس بر خواست این مناقشه میدانم که از بابت
مرافعه ما بین دو نفر حاجی کریم نام و آقا میرزا
فضل الله خان نامی است که اداره ولایتی طرف
مدعی علیه و انجمن حاجی مدعی است و این کشمکش

کار را باین اندازه خشونت رسانده تفصیل این قضیه
و کینیت آن در روزنامه زایندرود و انجمن منحل
و مشروح ثبت است در این جا حقانیت را بطرف
مخصوصی نسبت نمی دم ولی آنچه از اسرار مکتوبه
که در زوایای خصوصی اصنهان در خلجان است
معلوم میشود این مرافعه وقتیه که این طور کسب
اهمیت نموده چیده دست شخصی است که برای
تصرف مایملک منسوب مدعی علیه این قضیه دستی
باز نموده و عنوان صلح مینماید احکام شخصی
هم از دوستان که هر يك در بلع اموال مهابت
تامه دارند صادر نموده و انجمن را این طور
بمخرج اداخته است در هر صورت باز خوب است
که انجمن باین وسیله فعالیت روز داده و الحق
غلبه هم نمود حالا باید اعضاء محترم بدانند که هرگاه
در امورات اندک جدیت و خود داری اراز
نمایند علیه با آنهاست انشاء الله من بعد با کمال
امیدواری مترصدیم و کلاء عظام در امور ملت و
وظایف حقه خود جدیت و حسن اقدام را از
دست ندهند و تا تمام نکنند بگذرند

راستی این مطلب هم گفتنی است ، بکجندی بود
در اصنهان میکرب حزب اعتدالیون حرکت و جنبش
داشت و عدم سست عنصران بواسطه آنکه مسلک
اعتدال با همان سردی و سستی فطری موافق داشت
سرگرم این مسلک بودند و میدانم غالباً برای اینمطلب
این مسلک را اختیار مینمودند که می شنیدند رئیس
شان مجلس یا رئیس الوزرای سابق یا فلان وزیر
و دیر و روزنامه نگار جزو این خرب است ، و
الا هیچ ملاحظه مقتضیات امروزه ایران و بوتلمون
طبیعی مصادر امور را نمی کردد که امروز چون
فطرت ایرانی مایل به کاهلی و تبیلی است اسم اعتدال
خیلی مضر است زیرا بهانه صحیحی است برای تبیلی
و عدم جنبش و راه دادن نفوذ ارتجاعیون اگر
اهل ایران امروز خود را اسماً و رسماً دارای مسلک
اعتدال بدانند آنها در متهی درجه تازه بقدر يك
عشر هم دارای جنبش و حرکت و حرارت شده اند
تا چه رسد باینکه مسلک اعتدال را اتخاذ نمایند آن
وقت در قمر زمهریر بی حرارتی و بی غیرتی برای
استقبال ابرار و فعالیت ارتجاعیون را بی درنگ
تصویب و خود را از بند جنبش و حرکت خلاص مینمایند

باری خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود باز دیدند بدون انقلاب کار امروز صورت ظاهر هم تحصیل نمی نماید بنده عرض میکنم از انقلاب هم کار ایران صورت نمیگیرد ولی اذعان دارم که اعتدال زود تر خراب می کند چرا بعلمت آنکه متعذبن اجاب در صورت غالبیت مسلك اعتدال کارشان زودتر صورت خواهد گرفت و شاید دخالت دوتین را هم اعتدالیون بدون هیچ تصور مضرتی صلاح مسلك خود بدانند برای اینکه باید باعتدال حرکت نمود مثلاً مسلك اعتدال میگوید قشون روس در ایران پیش نیاید عقب هم نرود در همین وسطها برای خودشان باشد

مسلك اعتدال میگوید وزراء كافی لازم است ولی نه چندان كافی که کار را بکمرتبه درست کنند از همان وزراء سابق لازم است منتهی قدری بدتر باشند کم کم خودش درست میشود

مسلك اعتدال میگوید مستشار لازم است ولی يك مستشار دانای كافی از امریکا یا ژاپون و فرانسه یا آلمان بیاورند از همین قرنگی بوسیده های طهران که متخلق باخلاق ایرانی شده اند باید عجماله بمستشاری پذیرفت و خودش بتدریج درست میشود مسلك اعتدال میگوید سرداری که سینه دم گلوله داده است محض دلگرمی وتشویق باید مسند وزارت باو بخشید ولو کار وزارت را هم از این خراب تر نماید باید با او ساخت آخرش درست خواهد شد

اگر از این مسالك که امروز متمدنین تازه جرج را سرگرم داشته يك مقصد عالی و يك اماج رفیعی منظور باشد باز بد نیست یعنی راه پیشرفت هم است ولی افسوس که از وجنات حال چنین داسته میشود که غالب بل اغلب صاحبان آت مسالك محض ضدیت با يك وکیل یا يك سردار و موافقت با يك نکره دیگر این مسالك را اختیار نموده اند هیچ کس محض حب وطن مسلكی را اختیار نکرده بلکه محض بغض با فلان پیرو این دستور است

مسلم است در این موقع و این ظرفیت کار مملکت همین طور بجلوه می آید خدا کند بمران مسالك باعث تفریق و پراگندگی نشود

لابد قتل آقای بهبانی را ارباب ذوق میخوانند منسوب به بجران مسلك دارند و زائیده اختلاف مابین اعتدال و انقلاب بداند حرفی نداریم ولی همین مقدمه برای مسائلی چند راه باز می کند و حضرات آیات الله را که باغواهی مفرضین یا بواقع از وضع سکنونی دلسرد شده اند دلسردتر و گریزنده تر خواهند نمود تسطیر نباید کرد از این زمان حضرت آیات الله احکام و تلگرافاتی خواهند فرمود که جز حزب روحانیون و عده از اهالی بسایرین برخواهد خورد آنوقت معلوم است چه خواهد شد در هر حال برای مایه گرفتن صیادان اطراف آب خوب گل شده و میشود

بنده دخالت مسجد و منبر را در پارلمان و اداره عقیده ندارم اگر قتل من هم واجب است چه عرض کنم شرط تنظیم همین است باز بر گردم و سر این که نصف ایران در تحت نفوذ و تعدی کبابی جدیداتاسیس چهار محال است و شباهت این کبابی هر کدام با دو یا سه رئیس در یزد و کرمان و کاشان اصفهان طهران نائین و غیره با کال زبری و زورنگی کار می کند سبحان الله امروز هم روزی است که اهالی باید باین ترتیب بسوزند و بسازند میثونیم هزبر السلطنه که رئیس اردوی دولت مشروطه است در کاشان و اطراف کاری کرده که نایب حسین امام موسی کاظم شده است در هر حال رمق ملت عجماله در کاسه این کباب است و اگر این وضع است فسق از آن را هم در کاسه کبابی سیرم خواهد کرد راسق در این دو روز مندوبی برای اصلاح مابین قشقائی و بختیاری از اصفهان حرکت می کند معلوم نیست چه خواهد بخت ضمیم الدوله بادوبست سوار بطرف بختیاری بصفت رفته تحریک اختلاف میکنند از طهران است ما نیز هم بد نیستیم باید نشست و تماشای اضحلال نمود و سوخت

جناب معتمد خاقان هم دو سه روز است از طهران باصفهان آمده اند نمی دانم چرا و چطور

مجموعه عالم اسلام

(لارود و مندوموزولمان) دو سال قبل از ظهور انقلاب ایران و عثمانی را خبرداد و بر این وجه طرد اسلام را بحال استقبال خوبی و واقف ساخت

مدیر مجموعه مذکوره (مسبولوشانلیه) یکی از
حلمین مدرسه عالی (کژدوفرانس) در یکی از
مجلات مهمه اروپ که اسمش مجموعه اقتصادی بین الملل
(لارو و اسکونو میک آنترنا سیونال) مطبوعه
بروکسل) است اجمال افکارشرا در اوره حالت حالیه
عالم اسلام درج کرده است
در ابتدای آن مقاله طویل که چهل صفحه
دارد مصنف فاضل عرضه میدهد که اهمیت عالم اسلام
دارای ۲۰۰ یا ۲۵۰ میلیون نفوس دو برابر اهمیت
آننگلو ساکسون ، دارای ۱۲۵ میلیون نفوس است
زیرا اهل اسلام که در بلاد افریقا و اروپا و آسیا
دارای قسمها هستند و در بلاد امریکا و استرالیا
نفوذ دارند اساس عمومی برای عمل عمومی ساخته اند
مصنف فاضل یادآوری میباید که انقلاب در اسه ماه
تحرک و هیجته حالیه اهل اسلام بوده ، بعد از آن
ترقی این عصر را عرضه میدارد ، مثلا مطبوعات اسلام
که در آخر قرن نوزدهم صد روزنامه بوده امروز
از پانصد بیشتر است

بظنر این عالم فاضل اختلاط ملل اسلامی احتمال
ندارد مثل ملل لاتینی و ژرمانی . اما همانطور که
وضع خرافاتی و کثرت نفوس ، آننگلو ساکسونها
فوق و ریاست اقتصادی در همه عالم داده همین طور
۲۵۰ میلیون مسلمان روزیکه یک عمل اقتصادی
(اکومی) مرتب کنند باسلام نفوذ عمومی را که
برای آن مخصوص و مهیاست خواهند داد
(جمله دلیل خلاصه حاصل آن مقاله است)

فرض کنیم که کنگره عمومی سنه ۱۹۱۱
برگرای برای اصول کار ترتیب دهد و ده سال
بر آن گذرد در سنه ۱۹۲۰ دو یا سه هزار روزنامه
اسلامی بذهن ملیونها از خوانندگان خود میدهند
فکر وسیله مبارک خوب بر حاصلی را که مضر باشد
برای خارجه بواسطه آنکه در هر یک از مراکز
بی دوی مردم باسلام اقبال خواهند نمود ، بعد از
آن حال نژاد آننگلو ساکسون و آلمانی ولایتی در
مراکز شرقی که ریاست بدون مؤاخذه دارند چه
خواهد شد ؟ حالت حالیه عرب در رودزناوشامی
در امریکا و هندی در استرالیا اسباب عبرت است .
هر مسلم بهیری باید این سخنان مزید را در خاطر
نقش کند مدیر مجموعه عالم اسلام همت گماشته راه

ترقی را مابین آشکاری خاطر نشان ما میسازد ما
باید از و منشر و اطلاعاتی را که در آن مجموعه درج
کرده اسفا نمانیم که یقیناً از آن منتفع خواهیم شد

مشهد

رکن الدوله والی ایالت خراسان که معزول شده بود
دیروز حرکت کرده و بطرف طهران رهسپار گردیده
وزیر مخصوص هم که بوالبگری معین شده بود و میبایستی
بباید چندی است که از وقت آمدن ایشان گذشته و
مشهور است که ایشان نیز از این مأموریت خلع شدند
ولی که را معین نموده اند تا حال معلوم نگردیده
است بلدیة مشهد که محض اعراض شخصیه چند
نمر متصل شده بود تا حال در محاق تعطیل مانده
و دائر نگردیده و مردم گویا درخواست در این
خصوص ابداً صحبتی در میان نیست ، رئیس عدلیه
مشهد که بعد از آنچه هیاهوها معزول گردید بدون
باز خواست به سمت ریاست عدلیه آذربایجان معین
گردیده رهسپار شد ، و مشهور بود که شخص
مجهول الحالی را به سمت ریاست عدلیه خراسان
معین داشته اند و تا حال هم نیامده اند (عقیده
بده در این باب این است که گویا در طهران و سایر
ولایات قحط الرجال است که کم کم نوبت بر اولیاء
میرسد ، اراشهرات شهر مشهد ایسکه ۲۱ نفر از قاتلین
آقا سید عبدالله مهیابرا که مرگب اند از
کرجی و ارامنه و ایرانی دستگیر و در تحت
استطاقند و تا حال چیزی روز نیافته ، مشهور
بود که در حدود خراسان ناحوشی و ما است
جدا دروغ است شاید این اشهار را بعضی اراطبای
نورسیده برای مشغولیت و دخل خود شان داده
باشند ، چندی قبل حدود تربت شولوع بود
بواسطه بعضی از درد ها ولی همین تارگی از
اقدامات حکومت قلع و قمع شدید و حال محمدالله
در نهایت امنیت است ، رئیس نظمیة خراسان بواسطه
بعضی بیقانونیها دل عوام و رعاع ناس بلکه نزرگان
قومرا نیز از این اساس جدید سرد میسازند ،
من حله یلبسی دو شب قبل در میان محس مطهر
رضوی ع در میان یکی از حجرات خلاف شرع و
و مرتکب منہیات بوده بعد در مانها او را گرفته و
و در نظمیة تقصیر او را ثابت میسازند ، رئیس نظمیة
میگوید شما بروید من او را مجازات میدهم بعد

مجازات نیدهده عاقبت بواسطه اقدامات جناب متولی بانی و سایرین مجازات شد همین قمره اسباب خیال و هیجان دربانها میشود که اگر بنا است بتوانین شرعیه عمل نمود چرا باید يك نفر پلیس را با این خلاف بین مجازات نمود و اگر نباید بتوانین عمل سکرد چرا دونه از محترمین اهالی آستانه را رئیس نظمیہ بجرم اینکه شرب نموده اند به سه پایه بسته و مجازات داد ، و غیره و غیره ، رئیس نظمیہ باین حرف ها اعتناء ندارد غافل از اینکه بگوفتی همین حرکات باعث هیجانات فوق العاده تواند شد ، باری مشهور است که طهران را در تحت حکومت نظامیه قرار داده اند و اگر اینطور باشد بقیده بنده خیلی خوب است ، هوای مشهد و اطراف آن در نهایت گرمی است و بواسطه نبودن بلبه یخ پیدا نمیشود و اگر پیدا بشود هر قیمتی که میخواهند میفروشند ، سند عنو رئیس عدلیه و سالار هایون خصوصاً ، نمیدانم از کدام عدالت خانه صادر شد که تقصیر بین آنها که نیشابور را سولوغ نموده ضمناً مبالغی اتلاف ثروت و نفوس شد بخشیدند (در اینگونه موارد عقل ما جوانان برای حکم آن ناقص است)

از طرف مستوفی الممالک رئیس الوزرای تلگرافی شده بود که مواجب و مستمری های فوق العاده آستانه را ندهند تا دستور العمل از طهران بتصویب امنای امور برسد و سابقاً همین قمره را عرض نموده بودم ، تا حال در این خصوص دیگر اقدامی نشده است و معلوم نیست که اساس این قمره را بر روی چه شالاه قرار دهند ، آیا مثل سابق خواهد بود که بدون استحقاق و خدمت میلی از عاید آستانه در صورتیکه آستانه قرض نیز دارد خواهند برد یا آنکه به برده های سابقشان قناعت خواهند نمود و برای اصلاح آستانه مقدسه و محض برای خدمت بمحضرت رضا (ع) اندکی مواجب که در خور شان شان باشد (اگرچه منت خواران شانی ندارند) به آنها خواهند داد ، بقیده بنده و بقیده قاطبه عقلانی که اصلاح امور آستانه را میخواهند چنین است ، که مواجب آستانه مقدسه را باید به سه گونه اشخاص داد اول از قبیل دربان و خدام که حفظ نظم آستانه مقدسه بعهده

اینهاست مثل جاروب نمودن و همواره امور نظمییه را بجا آوردن و چراغ روشن کردن کشیک کشیدن و بیدار بودن تا صبح و سایر مسؤولیت ها که هر کس بآستانه مقدسه مشرف شده خواهد دانست که مواجب این بچاره ها به سنگینی کوه قاف است و در از آه آب مواجب قلیلی میبرند ، در صورتیکه باندازه کفاف همیشه اقلأ باید ببرند ، دوم باشخاصی که صاحب منصبند و به آستانه خدمت میکنند از قبیل اطباء و اجزاء دفتر و مهار بانی و ناظر و غیره که اینان نیز باید باندازه کار خودشان ببرند نه آنکه ده مقابل کارگرمای آستانه مقدسه (ع) مثل خدام و دربانها ، سیم اشخاصی که زمام اختیار امور آستانه جزاً وکلاً در دست آنهاست و شب و روز خواب و آرام ندارند از قبیل تولیت آستانه یعنی متولی بانی و از این قبیل اشخاص يك نفر بیست و از يك نفر بیشتر هم لازم نیست ، و اما فرمائید به بیم دیگران باطول قامه و قطر شکم بجه استحقاق باید سالی چندین هزار تومان از آستانه مقدسه ببرند ، اگر علمشان از سایرین زیادتر است ، که غالب ب را ازالف فرق میدهند ، اگر تریاک و وافور را از سایرین بهتر میکنند ، این که فضیلت برای ایشان نخواهد بود ، آیا برای آستانه مقدسه کاری میکنند اشهد باقیه همه اوقات شب و روز مشغول تریاک کشیدن اند ، اگر قد شان خیلی بلند است ، و قطرشان خیلی زیاد خیلی اشخاص هستند در سیستان که طولیتر و قطورتر از آنها هستند و فرضاً در بلندی قامت و قطر شکم نیز مثل ایشان نباشند بلندی قامت و قطر شکم سند لیاقت ایشان نخواهد بود ، و هكذا ، این اشخاص بالکلیه از مزایای السایبت دور و مهجور اند ، خیلی جای تعجب و تأسف است باین همه ذالت طبع و بیکاری و بدون لیاقت بدون مناسب باید هر ساله نه اینکه باندازه معاش بلکه کفاف ۲۰ خانواده محترم را ببرند ، انوس از این غفلت اولیاء امور آه از این فترت و سستی ما ملت ایراث که در این عصر نیز امور ما مثل زمان جهالت و وحشیگری و تضائل کاری های ما بدوشت قواعد و قوانین میچرخند ، امروز که بنده در این قبلاسلام سکنی

دارم و صایب آستانه مقدمه را از تمام اولیاء امور
بهر مسوقم و راه اصلاح آنها نیز بهتر از همه
میدانم (زیرا که همواره در این فکر یعنی فکر
اصلاح امور آستانه مقدس بوده و هستم) همواره
قلم برداشته نقایص آستانه را جزاً و کلاً نوشته و
زحمت افزای نامه مقدسه گردیدم ، نامه مقدسه
نیز محض اسلام پرستی درج فرموده اند در صورتیکه
خبره نمر و نتیجه بخشیده و اگر اقلاً دو هزار
تومان از مستغری غیر مشروعه مفت خواران
کسر می شد ، دل شاد بودم و او را نمره
زحمت کتابت و فریاد خویش میدانستم ، افسوس
که هم چنان مجری و مقرر است ، اگر اولیاء امور
بخواهند و مایل باشند که اصلاح بعمل آورند امروز
وقت است و تکامل در آن باعث بس خرابیها
است ، در بنیاد امر امور آستانه یعنی صد و پنجاه
سال قبل از این که گندم خرواری یک تومان بود و
املاک آستانه باندازه حال زراعت نداشته عایدات
آستانه را ۳۰ هزار تومان بقم آورده و هر کس
را باندازه مواجب آن ملکی داده و نیول آن
نموده اند ، حالا نیز که آن املاک ده گونه ترقی نموده
و عیالات بزرگان شده حواصل املاک و زراعت یک
ر ۳۰ زیاد شده است باز همان املاک بدون حساب
و رسیدگی در نیول صاحبان مواجب است ، و
از خارج هم اقدامی بخرج و تبدیل آن نکرده
و گاهی یک نفر هم که از خارج پیدا شده بازاری
آشفته تر از بازار آستانه مقدسه ندیده این است که
بزور یا بواسطه یا بسایر لطائف خود را داخل نموده
و مثل شمیر مرتضی علی از جب و راست و پیش رو
و پشت سر زدند ، و وقت فرصت باقی نگذارند این است
که آستانه مقدسه جز ۵۰۰ نفر مفت خوار و مبالغی
مخروض چیزی دیگر ندارد

(ایکاش سردی از همه ایران رون شدی)

(تا از سر زانف و بودی کلاهما)

ایکاش بکنز با دوق و با جرأت و متدین
پیدا میشد ، و این شرب البهودی آستانه مقدسه را
محضاً لله و برای خوشنودی ائمه و حضرت رضا (ع)
اصلاح مینمود و روا میداشت که زیاد تر از این
آستانه خراب و امور آن دوهم و برهم باشد ،
چون اینکه مواجب نایب التولیه و ده نفر مرادف
آنها بالکلیه قطع نمایند ، بلکه باندازه شان و شرف
و معاش و کار آنها به آنها از عایدات آستانه
تقدیمه بدهند ، و بعضی عایدات را بیخوش و مخارج

تعمیر و سایر لوازم آن برسانند ، بدیهی است که
اگر اندکی کار بدین منوال بگذرد آستانه که ملجاء و
مأمن مسلمین است بالکلیه خراب و منهدم میگردد
و عایدات و املاک آن نیز ملک طلقی ارباب نیول
گردیده و تمام آنها را صاحب میشوند ، چنانکه صاحب
شده اند ، از اخبار تازه دیگر اینکه رئیس امنیت
خراسان که از سبزواری تا مشهد سوار های خوب
و کار کن و با اسلحه گهاشته و خود چند روز
قبل بمشهد آمده شخص بیغرض و کار دانت
مینماید ، برای ترتیب سایر سوار های امنیت بخندمی
است که از طهران تنگک میجوهد و امنای امور
تمام را بتکامل گذرانده اند و تا حال تنگک مرستاد
اند که ترتیب سوار بدهد ، و امنیت را که از
امور است قائم نماید ،

تلسکرافات روتر راجع با بران

(عمره رمضان - ۶ ستمبر)

در مجلس شورای ملی ایران مافاتی وکلا رای
داده شده که بجای فراسه از آمریکا مستشار
مالیه جلب شود

حبل المتین

آراء وکلا درین موضوع باندازه قابل تجرید
است که ما فوق آن منصور بیست چه ملت بوع
خواه آمریکا هم دارای تمدن حقیقی اند و هم
صاحب ثروت و در قطار اولین دول و بی اعتنا
بدول حربی اروپا و بی طرف با ایران ، مستشار
آمریکی نه با نفوذ روس شامل میشود نه با روس
انگلیس ، و هرگاه ما بذریعه مستشار های آمریکا
اصلاح مالیه خود را بنمایم برای ترقیات آتی مملکت
بازار صرافی آمریکا در رفع احتیاجات ایران کار
تصور می شود ، و هر معامله که ما با آمریکا بنمایم
بزیان و صرفه بمانست ، چه هیچگونه مقاصد سیاسی
و فریب و دغا و سازش با همسایگان منصور نیست
این نکته را هم باید فراموش نمود که معلم ژاپون
از هر جهت آمریکا بود ، و ایک در تربیت
چین هم دست بالا زده لذا بهترین معلم ایران
آمریک تواند گردید ، و تدریجاً این مسئله حساس است
چه سلوک آمریکائیان در ایران و عثمانی تا امروز
فائده رسان و بی عرضانه بود ، حیا که کشیداش
آمریکی از مشروطیت ایران و عثمانی نمودند قابل همه
گونه قدر دان و خیل دی قیمت بوده است ،
از مدارس و شفا خانیه بجای حقوق تربیتی
و نوع دوستی تا فریجه با بران و عثمانی دارند عرض

به تعویق اوفتد مزید بر مشکلات دولت انگلیس میگردد.

حبل المتین

این نکته قبل از وقت برواقیان رموز معلوم بود که از میت باروس انگلیسان نه اینکه صرفه نخواهند برد، بلکه دو چار مشکلات و زیانات خواهند گردید بدین مناسبت حزب مخالف اتحاد روس چه در پارلمان و مجلس اعیان و چه در جرائد و مجالس غیر رسمی مکرر این مشله را موضوع بحث قرار داده بر حکومت موجوده چه را این معاهده و چه بر همراهی های او با روس اعتراضات سخت نمودند و این اول زمره است که روزنامه طمس درین موضوع نموده و بقیه ما (این هنوز از نتایج سحر است) چه هنوز روسها از خیالات دور و دراز نیوفتاده و فیلشان تا کنوت خواب هندوستان می بیند.

روسیان عملاً سعی اند که بهر وسیله باشد تا به منطقه نفوذی که در معاهده رای او معین شده رسیده چند صد فرسخ خود را به هندوستان و دریای غیر منجمد نزدیک نمایند آنوقت هائیه پلنیک در پیش قدمی هندوستان خیلی بدست تواند آورد، بهمین مناسبات دامایان انگلستان را عقیده این است که تا وقتی دولت انگلیس با روس همسایه یک درود یوار نشده و مجبور بجلو گیری وی از پیش قدمی هند نگردیده خوب است بالاخص از بانصد فرسنگی باندک کوشش جلوگیری از پیش قدمی های روس نباید امروزه جلوگیری روس در منتهای سهولت است ولی وقتی که خود را نزدیک هند رسانید بسی دشوار خواهد بود.

هر حال مشکلات انگلیس از حرکات متجاوزانه روس در ایران بسیار است، یکی آنچه اشاره نمودیم در خطرات آتیه که برای هند متصور است، و دولت انگلیس مدام باید یک اردوی جیبی در سرحدات هند نگاه داشته سالانه متحمل یک مصارف عظیم نشود و عاقبت هم روزی دو چار جنگ و زدو خورد با او خواهد گردید، آیا در آنوقت هم فتح کند یا شکست معلوم نیست، ولی هرگاه امروزه بر طبق همان معاهده که اولین فصلش احترام و حفظ استقلال ایران است جلوگیری از پیش قدمی های روس نباید و یا بتوان اجحافات او نکردد جلوگیری از کلیه خطرات متصوره شده است.

دیگر عدم جلوگیری انگلیس از روس مشکلات عظیمه حلاً و عملاً در تجارت انگلیس است.

این است که جلب مستشار مالیه از آمریکا با اندازه بحال ایران منهد است که شرحش در این مختصر نکنجد، و ما تبریک میدهم و تشکر میکنیم وکلای مجلس مقدس را درین حسن انتخاب، و از وزراء استدعا می نمایم که هر قدر زودتر بتوانند در حباب مستشار های خارجی مجتهد فرمایند.

ما خدمات ملت فرانسه را درین مدت انقلاب با آزادی ایران همواره معرف بوده و خواهیم بود، و میتوانیم گفت که محرک حس ایرانیان مانا بیشتر تعلیقات فرانسوی و معاشرت با ملت فرانسه بود، که قبل از معاشرت با سایر ملل اروپا با فرانسویان داشته ایم و امروزه زبان فرانسوی در ایرات کسب عمومیت نموده ولی تعلیم یافتگان زبان سایر ملل اروپائی آنکشت شماراند، علاوه بر این دوهم مشرب ایرانیان و فرانسویان همین بس که ارباب تاریخ و جغرافیا ایران را در شرق فرانسه غرب مینویسند و در اخلاق نیز این دو ملت مشابه با یکدیگر اند با اینکه فرانسویان تا آن درجه که متصور بود بواسطه اتحاد با روس و انگلیس نتوانستند درین موقع نازک ایرانیان را تأیید کنند ولی باز هم از ابتدا ایرانیان از حجاب مستشار های فرانسوی ناراض نبوده و هنوز هم نسبتند ولی دولتین متعاهد تیر او روس و انگلیس محض نفرت ایرانیان از فرانسویان و رفع اعتماد آنان از دوست قدیم خود جلب مستشار های مالیه فرانسوی را یکی از شروط استقراض استقلال ایران کن خود قرار داده، باین وسیله دل ایرانیان را چرکین ساختند، و در حقیقت این ضربت پلنیک را دو دولت دوست فرانسه زده اند، مسلم است از روی حزم و سیاست ترک جلب مستشار های مالی از فرانسه لازم استقلال خواهی ایران بود و چون مستشار های داخلی از فرانسه گرفته شده برای همدردی آنان کافی و همین نکته دایل است که ایرانیان مالاصله منشور از مستشار های فرانسوی نبوده و نیستند بلکه علت تبدیل مستشار های مالیه فرانسوی به آمریکائی همان شرطی بود که دولتین در شروط استقراض پیش کرده بودند.

(ایضاً)

بموجب خبریکه بطمس لندن رسیده با وضع خطرناکی نزدیک است مخبرات ایران با روس در اخراج قشون وی خانه پذیرد، سفیر انگلیس سامی است که نگذارد روابط دوستانه بین ایران و روس را فرتی حاصل آید، هر قدر اخراج قشون روس

آورد، چه همینکه روس استیلا دوه منطقه فوذ خود در ایران حاصل نمود خواه مخواه تجارت اورا منحصر بخود خواهد ساخت، و اگر بوسائل نقلیه به بردازد طبعاً تجارت جنوب را هم منحصر بخود خواهد کرد و در آن حال تجارت انگلیس نسبت بروس درجه صفر را حاصل خواهد نمود و با تمام جمهور سیاسیون کنونی فوذ سیاست تابع فوذ تجارتی است و این زبان اقتصادی انگلیس ماقبت منجر بزبان سابق شده باز بر میگردد همان نکته که نزدیک شدت روس هندوستان و هماره انگلیس را در محاطرات سیاسی گذاردن است

سوم - ایرانیان بواسطه اتحاد انگلیس با روس يك دفعه روی خاطر را از انگلیس گرانده و به قوی ترین رقیب او صکه آلمان است رخ نموده و مسلماً اگر چندی بدین منوال بگذرد و انگلیسان حدا ممانعت از اجحافات روس در ایران نکند کلیه ایرانیان از روی رمیده خواهند شد، چه روس و انگلیس را از بعد اتحاد یگانه تصور نموده ایمان کرده اند که سی و حزنی حرکات روس در ایران تصویب انگلیس است چه قبل از ایکه اتحاد بین روس و انگلیس بسته شود این تجاوزات از روس دیده نمی شد از همان ساعتی که عقد اتحاد روس و انگلیس شد از هر طرف آغاز به ترک تازی در ایران نمود تا جائیکه قشون روس در ایران بتصویب انگلیس وارد گردید، و در پارلمان سرادوردگری اقرار نمود و وعده کرد که بعد از عود امنیت بدون هیچ شرطی قشون روس عودت خواهد کرد، مسلم است پیش شدن شروط برای اخراج قشون روس و سکوت انگلیس و لجاجت و ساجت در قبولاندن بالاصاله در قلوب ایرانیان تولید يك نفرت عظیمی از انگلیس نیز میباید و این نفرت رفته رفته منجر بدوری ایرانیان و ترك معامله با انگلیس هم خواهد گردید، نتیجه آن ازدیاد فوذ و رسوخ سیاست و تجارت آلمان در وسط آسیا و خطرات اقتصادی و سیاسی برای انگلیس تواند گردید

چهارم چون معامله که بین روس و انگلیس شده اول فصلش احترام و ضمانت استقلال دائمی ایران بوده امروزه این حرکات استقلال شکنانه بد عهدی و بد قولی دولتین را بر عالمیان هویدا میدارد علاوه بر اینکه مضار چنین بدنامی در عوالم سیاست کمال اهمیت را دارد اگر ایرانیان در

جلوگیری اجحافات روس همین نکته را در يك کنگره عمومی پیش نمایند غلبه آراء بطرف روس و انگلیس نتواند شد، و بز دولیکه حقوق تجارتی و سیاسی دوا ایران دارند سکوت درین گونه اجحافات نه نموده از تأیید ایرانیان باز بخواهند آمد، و نتیجه این خواهد شد که بدون بردن هیچگونه منفی دولت انگلیس دو جار بدنامی و زیانات عظیمه سیاسی و اقتصادی خواهد گردید

پنجم - اعظم زیاناتیکه باید بحال انگلیسان تواند گردید همانا نفرتی است که مسلمانان دنیا را از اتحاد با روس پیدا شده چه در قلوب تمام مسلمانان دنیا نقش بسته که دولت روسیه مجد در محو اسلام است اتحاد انگلیس با او و پیش آمد واقعات ایران و لشکر کشی روس بایران به تصویب انگلیس تولید يك سوء طی از انگلیس در مسلمانان شده و علاوه میگویند چون این دو دولت مسیحی نهضت مسلمانان دنیا را مشاهده کرده از خوف آنکه مبدا سرایت بر طایف مسلمان آنها بکند متحد شده بمحو سلطنتهای اسلامی برخوانسته اند و چون ایران اول دولت اسلامی و مرکز جمیع سعادات مسلمانان شناخته شده و اول دولت اسلامی است صکه به ترقیات عصر حدید بهضت نموده بدوا در خفه ساختن و سرنگون نمودن بیرق استقلالش متحد گردیده تا سپس بنامی و غیره هم به بردازد، طاهر است چنین عقیده که در قلوب مسلمانان عالم راسخ شد بود ملیون رعایای مسلمان انگلیس صکه امروزه انگلیسان شد احتیاج را با آنها دارند چه رنجش و دل شکنی از دولت انگلیس در قلوب آنان تولید خواهد گردید، و چه زیانات عظیمه برای دولت انگلیس ساری خواهد شد خاصه در این موقع که رقیب بزرگ انگلیس آلمان باهم ایست که حامی مسلمانان و حافظ استقلال سلطنت های اسلامی است کوشش دارد که يك اتحاد سیاسی وره روحانی در مسلمانان دنیا تشکیل دهد و تا درجه بز کامیاب گردیده اتحاد روس و انگلیس و واقعات نتیجه که دوا ایران درین دو ساله پیش آمده بزرگترین دلیل حسنی آلمان است در تولید رنجش و سوء طی و عدم اعتماد مسلمانان بدولت انگلیس، تولید نفرتی که از انگلیس در قلوب عثمانیان درین یکساله اخیر شده قابل چشم پوشی نیست، آن اعتماد که ایرانیان را چهار سال قبل بانگلیس بود هم، روزه در رمضان آمده تا جائیکه در پد خواهی ایران اسم روس و

﴿ جبل المتین کلکتہ ﴾

﴿ مدیکل کالج استریت نمبر ۴ ﴾

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

﴿ ولا مل اخذ ابونہ بدون قبضہ نداشتن و تاویل کہ ﴾

﴿ مشارکین را قبضہ مخصوص سال هجدهم دست نیابد ﴾

﴿ ذمہ شان بری شناخته نمیشود ﴾

﴿ نامه مقدسه ﴾

﴿ قیمت اشتراک ﴾

﴿ سالانہ — شش ماہہ ﴾

﴿ هند و برمه ﴾

﴿ ۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ ﴾

﴿ ایران و افغانستان ﴾

﴿ ۴۰ قران — ۲۰ قران ﴾

﴿ عثمانی و مصر ﴾

﴿ ۵ مجیدی — ۳ مجیدی ﴾

﴿ اروپا و چین ﴾

﴿ ۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک ﴾

﴿ روس و ترکستان ﴾

﴿ ۱۰ منات — ۶ منات ﴾

المتین

﴿ سنہ ۱۳۱۱ ﴾

﴿ مراسلات خصوصی بدون امضای ﴾

﴿ معروف اداره درج نمیشود ﴾

﴿ کلیہ امور اداره با ﴾

﴿ مدیر کل مؤید الاسلام است ﴾

﴿ ہر دو شنبہ طبع ﴾

﴿ و ہر دو شنبہ توزیع نمیشود ﴾

﴿ ہر دو شنبہ ﴾

﴿ ۱۴ رمضان المبارک ۱۳۲۸ ہجری ﴾

﴿ مصادف با ﴾

﴿ ۱۹ ستمبر ۱۹۱۰ میلادی ﴾

﴿ در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث نمیشود ﴾

﴿ مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آزادست ﴾

﴿ حسن انجام وزرای کنونی ﴾

باتفاق دامایان حسن انجام بہتر از حسن آغاز است و شاید کابینہ جدید ہم این نکتہ حسی را انکار فرماید یک سال قبل کابینہ سپہداری با آن حسن آغاز شد کہ طالی را متوجہ بخود ساخت ولی بد بختانہ بحسن عاقبت نائل نیامد

ہر کس ہرچہ میخواہد بگوید عقبہ ما این است کہ علت نائل نیامدن کابینہ سپہداری بحسن خاتمت چند چیز بود کہ یکی از آنها اعتمادی بود کہ طرف غالب وزرا بدوستی دولتین خاصہ روس داشتند و این اعتماد آنان را از انجام وظایف عمدہ بازداشت ، ہمان سبب انزجار خاطر عموم و علت الطل سوء انجام کابینہ گردید

دیگر باریک نشدن اعضای رئیسہ کابینہ بدقیق سیاست و عدم جلوگیری از مداخلتہای سیاسی ہمسایگان کہ مضارش از دخالتہای مسلحہ بدرجات افزون است پس اگر کابینہ کنونی خواستگار حسن عاقبت است باید از خطبای گذشتگان عبرت گرفتہ برخلاف آن رفتار نماید ، باید جدأ در تعمیر پروگرام خود بکوشند باید با کمال قوت قلب جلوگیری از دخالتہای سیاسی متجاوزین نمایند باید با منہای متانت و وزانت

یک مسلک سیاسی مناسبتی بحال ایران اتخاذ نمایند دولت ایران امروزہ دارای ہیچگونہ مسلک سیاسی بالاصالہ نیست وزرای سابق مسلک سیاسی ایران را تابع مسلک روس و انگلیس قرار دادہ یعنی ہر آن مسلکی کہ دولتین نفع خود دانند ایران ہم ملتی در آن بود ، ازین است ہر قدمی کہ ایران میخواہد برای ترقی خود بردارد دولتین باسم اینکہ مضر بمسلک ماست مانع می شوند و ہمارہ منافع خود شان را مقدم بر منافع ایران قرار دادہ گویا بالاصالہ ہیچ وجہ نفع ایران منظور نیست ہمان نفع انگلیس و روس موضوع بحث است و بس ، این نقص از اختیار نشدن مسلک و مسجل کردن ہمسایگان تولید گردیدہ و تاوقتیکہ ما دارای مسلک سیاسی نشویم و مسجل ہم نہ ہائیم ، دارای استقلال مطمئنانہ شناختہ نخواہیم آمد و از دخالتہای سیاسی ہمسایگان نجات نخواہیم یافت

کابینہ جدید نمیتواند یک فصالت و برقراری امنیت بحرانی کہ لازمہ ہر انقلاب و تبدیل شناختہ می شود منور بحسن خاتمت گردد چہ اگر این فصالت متمادی نباشد امنیت ہم دائمی نتواند بود و اگر در اجرای ہواد پروگرام خود سریماً مقضی المرام نشوند مانند کابینہ اولیہ ہبجکاری از پیششان نتواند رفت

و مآلاً مداخلتهای سیاسی شان در سلب استقلال ایران شدیدتر است ایرانیان راست که قدری ظاهر داری را کنار گذارده باعناق سیاسیایک مبتلای بدان هستند باریک شده معنی و حقیقت استقلال را درک و در نگارشات طمس که ذیلاً نگاشته آمده همبناه قابل فرماید

« حمله تازه بر استقلال ایران »

روزنامه طمس ضمن عنوان مستشارهای خارجی در ایران مینویسد « ایرانیان میخواهند بجلب مستشارهایی خارجی از دول بزرگ تشکیل وقایع داده خود را در مرکز آن وقایع جوی دهند دولتین روس و انگلیس این امر را خیر ایران نمی پندارند و بحال ایران بهتر میدانند که مستشارهای خارجی را از دول کوچک اتخاذ نمایند »

بلاشک یکی از حملات بزرگ بر استقلال ایران همین نکته است ، اگرچه این خبر رسمی نیست ولی واقعان رموز میدانند که منبع نگارشات طمس کجاست ، چنانچه بعد از بیست روز مخبر روتر هم از طهران اشاره باین مقصود نموده ، اگرچه خبر روتر هم عاری از رسمیت است ولی بی هوود سخن باین درازی نمیشود ، علاوه بر این طول مدت بحث درین موضوع وعدم تصفیة امر جلب مستشارها دال است بر یک طایق سیاسی در جلو وزرا ورنه هیچ جنبی نداشت که این مسئله تا این درجه در بوته اجال ماند بدوا عقیده بسیاری از ارایات این بود که مستشار از دول کوچک بی طرف جلب شود نقطه نظر آنهام نادرجه درست بود چه دول کوچک مانند باریک ، هولاند ، سوئز ، و امثال آنها علماً و عملاً و تماماً از دول بزرگ کم نمیشانند و کم خرج تر و بی زیات تر هم متصور بود و برای تعلیم ارایات کالی تصور می شد ولی دو نکته ما را مجبور بر این ساخت که چشم از مستشارهای دول کوچک به بوشم اول از تجربه که از ملازمت بلژیکها حاصل شد یعنی چون در اثر نفوذ روسیان بودند در حقیقت خودشان را نوکر روس دانسته کمر خدمت روسیه را بپیان بستند و اگر زیانات بلژیکها را بایران و منانشان را بروس شرح دهیم کتابی خواهد شد ، یکی از دانایان چنین سرود « بلژیکها در ایران بیش از نمایندگان روسیه بدولت روس خدمت

بد بختانه دیده می شود که همسایگان در دخالتهای سیاسی بهمان سلك اولیه باقی اند و در مسئله جلب مستشارهای خارجی هم بزرگترین حمله را بر استقلال ایران نموده اند و هرگاه خدای ناخواسته قافیه را باخته بدفع الوقت بگذرانیم و یا در مقابل حملات سیاسی همسایگان سپر اندازیم بد بختانه باید چشم از حسن خاتمت این کابینه هم به بوشم لذا وزرا راست که از اهمیت این حمله استقلال شکنانه غافل نبانده حسن عاقبت خویش را از دست ندهند

« سلب استقلال از یک ملت تدریجی است » همین که در تاریخ اضحلال ملل باریک شویم خصوصاً درین قرون اخیره خواهیم دید که اضحلال آنان تدریجی بوده است یعنی متجاوزین اندک اندک بشتون استقلالیة آن ملت تجاوز نموده رفته رفته اساس استقلالشان را در هم شکسته اند مصدق این بیانها حال اسفناشمال امروزه کوریاست که از بیست سال باین طرف همسایگان شروع به تجاوز بشتون استقلالیه او کرده تا یک ماه قبل خاتمه بر او داده شد مسلم است سیاسیون در آغاز مداخلتهای استقلال شکنانه آخرین قصد و اراده خودشان را که خاتمه دادن باستقلال او باشد ظام نداشتند بلکه خیرخواهی او و تشبید مبای استقلالش را دعوی می نمایند و این شعار سیاسیون در هر نقطه متجاوز می باشد

یکی از سیاسیون بزرگ میگوید « اضحلال ملل بجنک و مغلوبیت آنها سیاستاً بهتر است از اضحلالیکه به تدریج از حملات سیاسی متجاوزین بشود » چه روح استقلال که عبارت از جرائیم هیدان مقدس است در صورت اول تولید و باصول نای معدوم میگردد اضحلال خونریزانه ترنسوالیان مصدق این بیان است اینک که بدقت ملاحظه شود می بینیم که متجاوزین بحقوق ایران سلك کوریائی را اتخاذ نموده اند نه ترنسوالی را و این قشونی را هم که بداخله ما باسم دوستی و حفظ امنیت وارد نموده فقط برای مشغولیت خیسال و دفع توجه ما از سلك حسن کشی شان است چنانچه دیده می شود که ارایات از قیام قشون خارجی باندازه که اظهار نفرت می نمایند و مستعد هیجان می شوند از دخالتهای سیاسی استقلال شکنانه آنها ابراز نفرت نمی دهند و حال آنکه سیاستاً

می نماند و هر حقیقت سخی با امتیازات سرود
خوف آن بلکه یقین است که مستشارهای سایر
دول کوچک هم که در نفوذ یکی از همسایگان
باشند دفتر بلژیکیان در ایران از نو باز و بجای
نفع زبان بایران وارد آید

دوم فشار های غیرقانونی همسایگان ایرانیان را
مجبور به تشکیل یک رقابت موفق کرده تا در سایه آن
رقابت بلکه بتوانند استقلال دائمی خود را حفظ کنند
ولی اگر همسایگان ما را بحال خود گذارند
نه محتاج بحاجت مستشار خارجی از دول بزرگیم و
نه مجبور بشویم خودمان را در این کشمکش های
رقابت تراشی بیندازیم افسوس که نه همسایگان
از فشار ما دست برمیدارند و نه مجبورت تشکیل
رقابت از ما مرتفع میگردد

باید دانست که این چهارمین حمله سیاسی است که
شدیداً باستقلال ایران علناً شده و از روی سیاست
از مداخلتهای مسلحه شان شدید تر بشمار است ،
اول حمله بود که سفارتین باسم خیرخواهی سبهدار
و سردار بانصالح وزارت صنایع الدوله و غیره نمودند
و خواستند باین بهانه عزل و نصب وزرا را بدخالت
خویش مربوط داشته و رفته رفته بدین وسیله
ایران را بصورت مصر و بخارا در آورند بمحافظه
از استقامت احرار وکلای مجلس در آن موقع تیرشان
بستگ خورد ، اگرچه همین نکته علت اختلاف
عظیم بین وکلا و وزرا گردید و نزدیک بود شیرازه
کار ما از هم بگسلد ولی بازم محبت و وطن بانصالح
کابینه سبهداری خانه باین انقلاب و دخالت بی جا دادند
دوم تبدیل محبر السلطنه و امیر اعظم از ایالت آذربایجان
و استراباد بود و بدین بهانه خواستند در تعیین ایالات و
حکومتهای بزرگ رضایت آنها شرط گردد و بدین
وسیله وزرا و حکام را انگشتر گردان خود قرار
دهند آنهم بهمت و غیرت اهالی آذربایجان و دانش
وکلا و وزرا صورت نه بست سوم یاد داشتی بود
که در ماده اعطای امتیاز بدول سایر بوزاریه
خارجیه پیش نمودند که مقاله های عدیده در مجله
موضوع نگاشتم بدبختانه از چگونگی آنشمال مصوبه
نمیاشیم که بافتح مسکوت عنه مانده یا که شکست خوردن است
است که این مسئله بمجلس پیش نشانی است و این
وکلا از سیاست همسایگان و بی نظمی اعمال دولتی
عنه ایست

غافل نباید باشند لازم بوده و هست در اینمسله که
طشت از بام افتاده شده در مجلس از وزرا سؤال
رسماً جواب از آنها طلب نمایند چه بساست همسایگان
یس از چند سال نوشته قانونی یا غیر قانونی بیرون
آورده در سر بزنگاه خویشتن را ذی حق جلوه بدهند
ما نباید دل خود را خوش نایم باینکه جواب
یاد داشت را نداده یا واسه اند و نیز نباید زیر
بار منت پلنیکسی همسایگان رفته که ما نوعی مینویسیم
که لازم به جواب دادن نباشد ، این نکته کاهمیتش
ما فوق بیان است به سرسری نباید گذراند ،
بزرگترین جوهر لباقی که باید وزیر خارجه تازه
ابراز دهد همانا عریان ساختن این مسئله و آسوده
نمودن خیالات خیر خواهان وطن است و باسکوت
تنها در این موضوع اهم مرکز نمیتوان قناعت کرد
این چهارمین حمله است باستقلال ایران که می
خواهند مستشارهای خارجی را از دول بزرگ بگریزاند
باشیم و این دخالت استقلال شکنانه بیرون از
اگر وزرا و وکلا منظور دارند خطریست آنکه بجای
استقلال وطن تهیه نموده اند ، و در نتیجه رفته رفته
معاملات ما با دول سازه دخالت های جدی خواهند نمود
واقفان رموز میدانند که این چگونگی مداخلتهای
همسایگان در سیاست اهمیت این دخالتهاست
بالاتر است ، ما باید مستشارهای خارجی را بطور
به منافع ملک و ملت خود بکار گیریم و در هیچ
دایم جلب نایم و تمام این گریز و فرارها را
آن است که میادای ایران مستشارهای خارجی
آلمان انجام بدهد و امروزه باین استقلال ایران
از تشکیل یک رقابت سیاسی تصور نیست و این منوط
بد آن است که در روسیه بلیگان بپذیرد باین
بمان کشیده اند و از دیاد منافع بخارجی و سیاست
اوپر بکوشند و باینکه همسایگان دست از دخالتهای
غیرقانونی کشیدند اطمینان بدهند که هیچگونه دخالتی
در ایران نخواهند نمود ، دوم بافصاحت (ایرانیان
مردم) محض نیراکت دوستی همسایگان می توانند خود شارا
و اختیار به آلمان که در قسیم روس و انگلیس شناخته
شده و بطرف احرار گریز دارند ، اگرچه همسایگان دست
از فشار نکشیده و ما هم مرعوب بر آن نمانیم که کشیده
آلمان اولی هم اند بفرود ما می توانیم در دست خود
استقلال اوطنی خویشتن و باسلسلوا و باسلسلوا
چنانکه در مقاله های گذشته

با اصلاحات ممکنه در ولایات که مجموع عده آنها از ۲۵۰۰ الی ۲۰۰۰۰ نفر خواهد بود با اسلحه جدیدی که باید خریداری شود

(۴) اصلاحات امور مالیه و تعدیل در عمل مالیات و اقدام فوری در تاسیس دیوان محاسبات مطابق قوانینی که از مجلس خواهد گذشت و تدابیر وجهی برای مخارج ضروری و کسر بودجه واجراء اصلاحاتی که در تکثیر عایدات و تقلیل مخارج ضرورت قطعی دارد

(۵) اصلاحات لازمه در امور عدلیه و تنقیح قوانین و قواعد لازمه و حسن جریان امور در محاکم و قبل از آنکه قوانین راجعه با انتخاب رؤسا و اعضاء محاکم وضع شود وزیر عدلیه باید در انتخاب اعضا اختیار تام داشته باشد که مادام که قوانین وضع نشده است میتواند مشولیت لازم بر عهده بگیرد و اقدام فوری در تاسیس محکمه تمیز

(۶) اصلاحات لازمه در امور مدارس و فرستادن يك عده متعلمین برای تکمیل تحصیلات یا معاینه عملیات بخارجه

(۷) تقدیم لایحه در تشکیل (کنسلی دنا) برای تنقیح قوانین قبل از تقدیم بمجلس مقدس (حبل المتین)

این پروگرام وزرا در صورتیکه از دایره لفاظی و مرعوبیت خارج شود خیلی ساده و مناسب با حال امروزه ایران است و نمیتوان گفت در این دوره وزرا تا کنون ابراز فعالیت نداده اند. بعقیده ما چیزیکه اساساً اهمیتش بحال ایران بیش است هفت اشاره است که در ماده تعلیم عمومی و خصوصی شده چه اشک احتیاجات ما امروزه به تعلیمات عمومی و خصوصی است و هر قدر که ما درین موضوع تاخیر نماییم همان قدر از کار عقب خواهیم ماند در ابتدای مشروطیت و سال گذشته همین ایام شرحی درین موضوع نگاشتیم تا امروز که نتیجه نداده برای تعقیب مطلب ناچار به تجدید و تکرار همان مطلبیم، شاید درین مجدد حکومت عطف نظری بر آن شود. وکلا و وزرای محترم راست که مقاله ذیل را قرائت فرموده متوجه موقع برای اجرای هر يك از سوابق باعنه و جدا از وزارت معارف میشوند

وزرای جدید ما نباید درین موضوع خاص یعنی جلب مستشار های خارجی بیچوجه آراء همایکارا دخالت دهند ورنه نه طلبیدن مستشار از مستشارهاییکه بیمل همایگان طلب شود اولی است، بازم مکرر میکنیم که سکوت مجلس در این مسائل اهم نه مبنی بر سیاست است نه داعی بر نزاکت شناسی، فقط بی اطلاعی و مرعوبیت ما را در پیش اجانب زیاد کرده حقوق استقلالیه ملن را زایل می سازد، در مسائلیکه طشت از بام افتاده است مرگه ما خودمان را به نفهی یا نشیندن زینم یا اسمش را نزاکت بگذاریم وروی بزرگواری خود نیلوریم و همچو تصور کنیم که ملل و دول دنیا قبول خواهند کرد که مجلس ایران این مسائل را نشنیده و یا نزاکت به خرج داده خود را گول زده ایم، مسئله که طشت از بام افتاده شد امری که استقلال ایران را به خطر می اندازد نمیتوان مسکوت عنه قرار داده و حتی خودمانرا موقع شناسی و سیاست دانی قرار دهیم، مجلس حافظ حقوق ملت است، مجلس حافظ استقلال ایران است.

عجیباً، مجلس در مسئله قتل يك نفر صد ها نوبت مذاکره میفرماید ولی در مسئله که راجع بقطر رشته حیات سیاسی جدید ایران است، در مسئله که طوق عبودیت بگردن چهل کرور نفوس اسلامی می اندازد ساکت می ماند آیا میتوان بخارجیان مشبه کرد که نفهمیده ایم یا نشنیده ایم؟ آیا میتوان این مباحث و آن سکوت عمیق را اسباب بیداری حسن ملی قرار داد؟ اگر چه ملوا یقین حاصل است که همایگان این حمله استقلال شکنانه را هم به ایران نموده اند ولی چون هنوز رسمیت پیدا نکرده همین مختصر قناعت مینمایم تا بموقع خود تشریحات لازمه بدهیم

پروگرام وزراء جدید

(۱) اقدام فوری در جلب مستخدمین خارجه
(۲) اصلاحات لازمه در دواير نظمییه و امنیه حسن اداره امور در ایالات و ولایات مراقبت جدی در دفع مواد فسادی که صلح و آرامی را در مملکت منززل نماید

(۳) تهیه قوای نظامی که عبارت باشد از يك اردوی جدید منظم از اسلحه تلافه مرکب از ۶۶۰۰ نفر در مرکز وارد و وساخلوهای لازمه بطرز قدیم

اجرای تعلیم اجباری بر حسب قانون اساسی
(بر عهده وزارت معارف است)

تربیت عمومی بدون اجرای قانون اجباری تعلیم صورت نه بندد، خصوصاً در ملق که تابع عامه را رغبت تام به تعلیم نبوده و تا امروز از لیاقت و علم فائده حاصل نکرده باشند، در چنین ملت بدون قوه جبریه محال است تعلیم کسب عمومیت نماید، در صورتی که بخواهیم بطریق شربالیهود کار نکرده اصول صحیح درین امر اقدام شده باشد سر شماری بقاعده و امالی لازم است چه مردم شماری در نظام این امر خیلی مدخلیت دارد، اگر از روی صحت مردم شماری نشود معلوم نتواند شد که چه قدر اطفال قابل تعلیم هست تا از روی میزان درست اندازه صحیح برای افتتاح مدارس و معارف آت بدست آید، و مطابق آن بودجه جمع خرج معارف تعیین شود.

وزارت معارف بزرگترین وزارتها در دول و ملل منتمده است، و چون سعادت ملت بسته بدین اداره میباشد اهمیتش از جمیع وزارتخانه ها بیش است وزارت معارف دارای شعب و ادارات چند است، شعبه که اهمیتش از همه پیش میباشد همانا مرکب از هیئت دانشمندانست که نگرانی از اصول تعلیمات عمومی میباشد و قوانین تعلیمیه را از روی دقت و مناسبت ملاحظه نموده غور و مشوره در آن کرده آنچه را کثرت آراء بدان قرار گرفت کار بند میکنند، و بتوسط وزیر معارف در موقع اجرا میآید، در حقیقت این هیئت مقنن قوانین تعلیمیه ملت اند، این جماعت حکه اقلای باید در طهران (که اداره مرکزی است) که از بجه نفر نباشد جز معدودی از محررونات و دفتردار همه باید شرفی انتخاب شوند یعنی از دامایان ملت از هر طبقه انتخاب و بدون شهریه باشند، چیزیکه لازم است ملاحظه عقل تشخصی در انتخاب این اعضا نشود، اطلاع و دلائل منتخین را منشأ انتخاب قرار دهند، تا از آراء آنها فائده حاصل توان کرد، درین هیئت عقل تشخصی ادا بدرد نمیخورد

این هیئت لازم نیست که همه ایرانی باشند یا شعبه ایران، میتوان دانشمندان اجنبیه را هم شرفاً

درین هیئت شامل نمود. چون السنه خارجه هم از عربی، فرانسه، انگلیسی، روسی، آلمانی، لابداً بجهت زبان نانی دومدارس ایران تعلیم داده خواهد شد رای دانشمندان اجنبیه در آنچه واجب زبان خودشان است بحال ما مفید تواند بود

وزارت معارف بذریعه این هیئت وضع قوانین نموده کتب تعلیمیه فارسی و غیر فارسی را معین کرده قواعد داخلیه و خارجهیه مدارس را مرتب تواند نمود، و درجات تعلیمات و مدت تعلیم دو هر درجه را معین و طریق تعلیم جمیع مدارس را بیک سبک و سیاق مقرر خواهد داشت، هر مدرسه نیز که ملت افتتاح نماید بملاحظه ضروریات تعلیمیه و بایه معلمین او درجه برایش معین داشته سند داده شود که از فلان تا فلان درجه در آن مدرسه تعلیم میتوان نمود، تا مدارس ابتدائی به تدریسات مدارس انتهائی نه بردازد و امور تعلیمیه از نظام نیوقتد وضع تدریس خیل دخیل در ترقی شاگردان است.

مدارس را اگر بطریق عموم بر سه صنف قرار دهند موافق با غالب مسالك منتمده خواهد بود، ابتدائی، رشدی، عالی، شاگرد دوره تحصیلات مدارس ابتدائی را طی کرده داخل مدارس رشدی می گردد، و دوره تعلیمات مدارس رشدی را تمام نموده در مدارس عالی شامل می شود، درین صورت مدارس عالی لوازم تعلیمات مدارس رشدی را ضرورت نخواهد داشت، و همین قسم مدارس رشدی ضروریات تعلیم مدارس ابتدائی را در کار نخواهد داشت، در مدارس عالی بدون سند امتحان تکمیل دوره تعلیمات مدارس رشدی و طی درجات آن شاگرد نتواند شامل گردید، همین شرط را خواهد داشت دخول در مدارس رشدی نسبت بمدارس ابتدائی

در مدارس ابتدائی شاگرد بهر حال داخل تواند شد، از برای شمول در درجات تعلیمیه معلمین همان مدارس او را امتحان نموده بهر درجه که لایق دانند شامل توانند نمود، جز امتحان آخر درجه مدارس ابتدائی که باید در دارالعلوم گرفته شود تا از روی سند امتحان شاگردان بتواند در مدارس رشدی شامل شوند سایر امتحانات را معلمین همان

هم لازم است و هرگاه دختران تعلیم نیابند ممکن نیست شایستگی عمومی ملت را حاصل شود و تعلیم مشروع هیچ ربطی با آزادی ندارد، قواعد مدارس بنات را نوعی که مخالف با آئین نباشد میتوان قرار داد تا تعلیم بنات در ملت کسب عمومیت نه نماید محال است شایستگی در آن ملت عام شود، پسران تا بسن رشد نرسیده اند بیشتر اوقاتشان با مادران صرف می شود پس از آنکه مادران آنها تعلیم یافته باشند درجات تعلیمی خود را بسیار سرعت طی توانند نمود

انظام برده برای مدارس بنات در ایران خیلی سهل و آسان است، این امر را مسلم باید دانست که بدون تربیت دختران منافع تعلیمیه را ماکولاً نتوانیم حاصل نمود، اینک که ما باید اساس تعلیمات ملیه را از نو بگذاریم لازم است ازین نکته اهم صرف نظر نه نموده بمشوره علای اعلام قواعد و ضوابط مدارس بنات را مرتب نموده اقدام بدین مشروع مقدس نمایم

ایران محتاج به تعلیم خصوصی است
تعلیم خصوصی عبارت از آن است که برخی جوانانیکه درجه تعلیمات خود را در مدارس عالیه ملیه و دوله طی نموده برای تکمیل بعضی از فنون محتاج الیه ملک و ملت در نگرانی دولت مدت مخصوصی بخارجه رفته نادر هرفنی که دولت موزونیت طیبیت او را دیده کمال حاصل نماید، و پس از تکمیل تحصیل و ختم ایام توقف در خارجه بایران باز آید و همان حین ورود بخدمات اولیه مناسبه که درخور لیاقت و تحصیل آن باشد مأمور دارند، و رفته رفته که تجربه آموخت و خدمت کرد ترقی در عهده و مواجیش دهند، مصارف این جوانانرا اداره معارف باید منحل شود، یعنی در بودجه جمع و خرج تعلیمات این مد مصارف هم بدوا باید منظور گردد
تعلیم خصوصی را تربیب و نوالی درکار است
معیناً برای تعلیمات عمومی در هر صوبه و ایالت افتتاح دارالعلوم خواهد شد، که شاگردان آن ایالت امتحانات تعلیمیه خود را داده سند لیاقت حاصل نمایند، به تصدیق اعضای اداره معارف هر ایالت سالا به خرج دولت تا ده سال متوالی بجهت نفر برای تکمیل فنون مختلفه تحت نگرانی تمامه

مدارس ابتدائی خود خواهند گرفت و ترفیع شاگردان از درجه بدرجه دیگر در اختیار همان معینین است، اما امتحانات رسمیه مدارس رشدی و عالی منحصر بدارالعلوم باید باشد،

دوره تعلیمات شاگردان درین سه صنف مدارس اگر یازده سال قرار داده شود موافق با قوانین غالب مدارس ملل متمدنه خواهد بود، چنانچه هفت درجه در ابتدائی مقرر نموده و مدت تعلیم در هر درجه را یک سال قرار دهند ولی ممکن است هرگاه طفل ذهن باشد در مدارس ابتدائی دو درجه را در یک سال هم طی نماید، دو سال برای تعلیمات مدارس رشدی و دو سال هم در عالی در این صورت اگر طفل در نه سالگی شروع به تعلیم نماید و همه ساله نیز در امتحان کامیاب شود در بیست سالگی از تحصیل مدارس عمومیه فراغت حاصل تواند کرد

اصول تشویق یا امتیاز فضل

اصول تشویق و امتیازات فضل نیز در جمیع درجات لازم است مراعات شود از قبیل اعطای مدال و اهدای ماهانه در مدت معین و تحف بشاگردان مانند کتاب و نقوشات و امثال آن در حق اطفالی که در امتحان درجه اول و دوم و سوم کامیاب شوند و تقسیم خدمات ملکی بدرجات تعلیمی
مدارس ابتدائی را اگر دو صنف قرار دهند برای تعلیم اجباری و عمومی مناسب خواهد بود، شعبه اول که دوره تعلیماتش چهار سال ختم شود اجباری و سه درجه دیگر اختیاری باشد، در این صورت رسماً امتحانی برای درجه چهارم مدارس ابتدائی نیز باید مقرر شود
در افتتاح مدارس هم بر ابتدائی و رشدی و عالی ملت باید آزاد باشند، ولی پای بندی بقواعد وزارت معارف بر آنها فرض است و تعلیماتشان نیز باید موافق مدارس دولتی باشد بلکه دولت باید تا درجه باین گونه مدارس اعانه ماهیانه بدهد و نگرانی تامه از آنها داشته باشد که اصول تعلیماتش بوضع دل بخواه نشده و تعلیم یافتگان آن مدارس قابل امتحان دادن در دارالعلوم بشوند
همین قسم که مدارس ابتدائی تعلیم دختران هم لازم است برای پسران مقرر می شود برای دختران

ادارات خود مستقی از آدمهای خارجه خواهد گردید و جمیع کارها بکاردانهای با تجربه سپرده شده و امور ملك و ملت با كمال نظام بگردش خواهد درآمد

پس از ده سال ممكن است شاگردان ایرانی این قدرها محتاج رفتن بخارجه بشوند، یعنی تکمیل فن و تجربه را هم در داخله حاصل نمایند، ولی در هر صورت عنی التوالی از هر دارالعلوم چهار پنج نفر را برای کسب تجربیات جدید باید بخارجه فرستاد، تا در هیچ میدان از اجانب عقب نمانیم اعم بر اینکه اصول تعلیم اجباری در ایران جاری بشود یا نشود تعلیم خصوصی جناحه ذکر نمودیم اشد ضرورت شناخته می شود

مملکت از احباب مستغنی نمی شود و کارها در دائره صحیح بگردش نمی آید و مردمان با علم و تجربه کار دان کار کن در ملك پیدا نمیکرد مگر با اجرای اصول تعلیمات خصوصی با نظام و ترتیب صحیح، یعنی همین اصول و ترتیب که ذکر شد، و این اصول تاکنون معمول به جمیع ملل و دولتمندانه است، نهایت آنکه چوٹ رفع ضروریات خود را نموده اسباب تکمیل فن و حصول تجربه در ملك خودشان مهیاست کتر جوانان خود را بخارج میفرستند

ایران را مدارس فنی و علمی هم

(لازم است)

علاوه بر مدارس عالی اقتساح برخی مدارس فنی و علمیه خصوصیه نیز لازم است، مانند مدارس طبیعی، تاریخی، طیبه، فلاحت، تجارت، صناعت، قانونیه، مهندسی، معدن شناسی و امثال آن که از ضروریات مملکه است، شمول در هر يك از این مدارس باید با اندازه ضرورت مربوطه به تعلیمات مدارس ابتدائی و رشدی و عالی قرار داده شود مثلاً مدرسه صناعت و تجارت و فلاحت شاگردی را قبول نماید که تعلیمات مدارس ابتدائی خود را تکمیل نموده باشد، مدرسه طبی شاگردانی را قبول کند که در امتحان مدارس رشدیه کامیاب باشد و مدارس مهندسی و قانونی و غیره شاگردانیکه دوره تعلیمات مدارس عالی را طی کرده باشند به پذیرد، دوره تعلیمات مدارس خصوصیه را نباید

نایندگان دولت بمالك اروپا و ژاپون و امریکا فرستاده، تا پس از تکمیل تحصیل در همان صوبه و ایالت بمخدمت دولتی پردازند

باین ترتیب هرگاه تعلیم خصوصی جاری شود در هر سه ده سال بالمره از مستخدمین خارجه بی نیاز و در جمیع ادارات دولتی جزء ام کلاً مردمان لایق کار دان خدمتگذار خواهند گردید، و این جوانان هیچ لزوم ندارد از بزرگ زادگان و اسرا باشند بلکه برای تکمیل هر فن و علم آن جوانان انتخاب باید بشوند مگره موزونی طبیعت در آنها ملاحظه شده و دو امتحان بر همقطاران پیشی بسته ذکاوت طبیعی و درایت فطری خود را جلوه داده باشند، و اگر این جوانان همه از طهران فرستاده شوند بحال زوایای مملکت چندان فائده نخواهد بخشید، اهالی هر صوبه و ایالت شایسته تر و مستحق تر اند بمخدمت صوبه خود از دیگران، و تا باین اصول و ترتیب عمل نشود نظام کلیه درکارها پیدا نتواند گردید

فرضاً در ایالت فارس يك دارالعلوم قائم شده باید شاگردان جمیع مدارس مملکت فارس امتحان درجات تعلیمی خودشان را در همان دارالعلوم داده سند باقت بدست آورند، در میان همان شاگردان آنانیکه دوره تعلیمات خود را تمام کرده جوهر ذاتی وجودت فطری بروز داده اند، بجاه نفر را گزیده با ملاحظه موزونی طبیعتشان بمعلیمات فنون در تکمیل همان علم و فن بخارجه فرستند، و مدت توقفشان را از سه الی پنج سال قرار دهند، این مدت برای تکمیل فن و حصول تجربه کافی است و مصارف آنها چندان نیست، اگر بزایون فرستاده شوند هر شاگرد زیاده بر یازده الی بیست تومان ماهانه خرج ندارد، روپهم رفته سالی دوازده هزار تومان با سایر مصارف رفت و آمد و غیره اگر حساب شود از بیست هزار اضافه نخواهد گردید، ایام توقف شاگردان را در خارجه اگر از سه الی پنج سال قرار دهند سالانه از شصت الی هشتاد هزار تومان صرف تعلیمات خصوصی تمام صوبه فارس خواهد شد، گویا هشتاد هزار تومان سالانه تحصیل بر تمام صوبه شده و این چندان گران نیست، ولی قدر هر سه ده سال مملکت فارس در جمیع

زاید بر سه سال قرار داد ، و امتحان آنها نیز باید در دارالعلوم گرفته شود و شاگردان آت مدارس سند لیاقت از اداره معارف حاصل نمایند

احتیاج ایران به معلمین

امریکه‌اشد ضرورت است فراهم آوردن معلمین زنانه و مردانه است ، چه تعلیم فنی بدست خاص و چندان منوط بدراجات علمیه نیست ، چه بسیار مردمان فاضل اند که از عهده تعلیم بر نمی آیند سلیقه خاص میخواهد و فنی است جداگانه

درممالک متدنه برای تربیت معلمین مدارس مخصوص است ، در ایرانهم اگر ازحالا چنین اصول اختیار شود پس از چند سال مستغنی خواهیم شد و معلمین سند یافته ذکوراً و اناثاً خیلی تربیت خواهند شد

لزوم شرکت علم و فن

چون علت غائی ازتعلیمات ملیه شناختن حقوق و رفع احتیاج از اجانب است هرگاه ایرانیان در اصول تعلیمات عمومی از ژاپونیان تقلید نمایند بهتر خواهد بود ،

در عموم مدارس ژاپون تعلیمات علمی و فنی توأم قرار داده شده ، یعنی يك شعبة تعلیمات مدارس شان عملیات فیه است ، در هر يك از مدارس ابتدائی آنها یکی دو شعبه عملیات صنعتی نیز میباشد و شاگردان مجبوراند روزانه ساعتی به عملیات صنعتی هم اشغال نمایند

احدی از اهالی ژاپون دست شکسته نیست ، یعنی خواه مخواه یکی دو صنعت میداند که در حین ضرورت اقلأ بتواند امر معاش خودرا اداره نماید ، در ایران هم هرگاه از ابتدا شالوده تعلیمات ملیه را بدین اصول گذارند خیلی نافع خواهدبود ، و مانند ژاپون پس از چند سال دستکاریهای شاگردان مدارس يك حصه بزرگ مصارف تعلیمی شان را کفایت خواهد نمود

تعلیمات نظامی

مدارس نظامی عنوانی دارد علاحده و قانونی خاص ، و چندان ربطی بمدارس عمومیه ندارد و درین مقام از موضوع بحث ما خارج است ، ولی برخی از دول و ملل متدنه يك حصه تعلیمات نظامی را در بروجرام مدارس ملیه از ابتدائی و رشدی و

عالی شامل گردیدند ، مراتب این اصول نیز خیلی مناسب بحال ایرانیان معلوم می شود در مدارس ملل متدنه چنانچه ملاحظه تعلیم اطفال را می کنند همان قسم مراتب از صحت و رشد بچه ها نیز می نمایند این است که در جمیع مدارس اسباب ورزش بصورت بازی برای اطفال میباشد ، هرگاه در ایران همان اسباب بازی و ورزش را در اصول نظامت قشونی در آورده هم مراتب حفظ صحت اطفال شده و هم نظامات عسکری کسب عمومیت خواهد نمود

لزوم تعلیم فلسفه طبیعی در ایران

هیچ جای شبه نیست که روح جمیع ترقیات يك ملت و دولت علم است ، ولی باتفاق حکما و علماء دانشمند روح جمیع علوم و اساس کلیه فنون عالیه فلسفه طبیعی است ، هرگاه ملتی جمیع علوم و فنون را دارا و از فلسفه طبیعی محروم باشد ، جز محاورات و اصطلاحات علمی و فنی هیچ نتیجه حاصل نتواند نمود ، و ابدا دارای هیچ صنعت و اختراعی خاص از خود نخواهد گردید ، و هماره خوشه چین خرمن دیگران خواهد بود ، عمر آت ملت در تقلید اجانب پیورده صرف خواهد شد ، هرگز چنین قوم سست برتری بلکه برابری با دیگران را حاصل نخواهد کرد ، ملتی که با از دائره تقلید بیرون نگذارد ممکن نیست که با مقلدین و مقتدیان خود همسری تواند نمود چه رسد به برتری

متفق علیه جمیع دامایان است که ترقیات غربیان تمام در سایه فلسفه طبیعی شده و تدریسات شرقیان در بی اعتنائی بدین گوهر گران بها و بیچیدن در مباحث الفاظ که هیچ نتیجه مرآورا حاصل نبود ، و صرف نظر از حسابات باهره و غرق در عقلیات غیر متناهیه میباشد

ژاپون چهل سال است با بدائره تعلیم نهاد ، چون به نتیجه حقیقی علم و عمل که فلسفه طبیعی است پی برده و او را تعقیب نموده درین قلیل زمانه در غالب امور همسری بلکه برتری بر غالب ملل ضریه حاصل کرده ، و در هر فن خاصه صناعتی ید بیضا می نماید ، و بدون افراق از برکت فلسفه طبیعی امروز مدها اختراع مخصوص بخود حاصل نموده ، و ازین رو در صنعت گوی رقابت را از غربیان ربوده و ملیارها ثروت اجانب را از غلبه

جلب و خویشن را مستفی ساخته است

ولی یکصد و اندی سال است هندها تعلیم مییابند و باب علم بروی آنها ظاهراً گشاده ، مگر چون روح علم که فلسفه طبیعی است تعقیب نه نموده در رفع احتیاجات ملکی و ملق خود هنوز قدمی فراتر نگذاشته اند و هرگاه بایستد سال دیگر هم بدین سبک و سیاق تعلیم یابند ابدأ گردن خود را از رفته احتیاج بیرون نخواهند آورد

از علم عمل خواسته اند ، و روح جمیع عملیات واجبه فلسفه طبیعی است ، پس در هر ملت که تعلیمات فلسفه طبیعی از روی محنت داده نشود ، هرگاه دارایی علم هم بشوند دارای عمل نخواهند گردید ، لذا علمی صحت نتیجه او عمل نباشد جز احتیاج و فقر هیچ نمر نخواهد بخشید

اینکه که بنیاد اساس تعلیمات ملیه ایران بر شالوده صحیح گذارده شود ، اولین وظیفه وزیر معارف است که در تعلیمات فلسفه طبیعی شالوده در کمال متانت و وزانت بگذارد و علاوه بر آنکه مقدمات فلسفه طبیعی را بطریق شایسته در مدارس رشدی و عالی برای آشنائی با اصطلاحات آن برقرار دارد باید مدرسه نیز برای تکمیل این فن شریف با عملیات لازمه افتتاح نماید که شاگردان مدارس در آن تعلیمات فلسفیه خود شان را تکمیل نمایند

باز برای توضیح این مسئله اهم میگوئیم راه آهن ، مخاربات تلگرافی ، خدمات مختلفه قوایه مکهربانیه بیوازم تمدن ، جہازات جنگی ، توپ ، قشک ، کارخانجات بخاری ، جمیع صنایع و ، و همه از نتایج فلسفه طبیعی است ، و آنچه تغییرات و ترقیات درین عالم ازین و بعد نیز پیدا شود در سایه فلسفه طبیعی خواهد شد

پس اول قدمی که ایرانیان در اصول تعلیم بردارند در طریق فلسفه طبیعی باید باشد ، و هرگاه سرعت ترقی را طالبند لازم است اساس آث را مانند ژابون قائم نمایند ، یعنی حیویاتش که مایه اتلاف عمر است زده مانند تیغ هریان ساخته جزء تعلیمات ملیه نمایند تا وقتی که چنین نتایج ، دامایان مخترع و مجدد صنایع درمیان ما پیدا نخواهد شد ، چندان لازم به بیان نیست که این نظام و آنکی درین موضوع زیاد بر این گنجایش بحث نیست

ایران محتاج به علم است نه زبان خارجه

این نکته را نیز وزارت معارف باید بداند که نتیجه تربیت و تعلیم حصول فائده است و علم غیر از زبان دانی میباشد ، بارها نوشته ایم ، که جاشو های بوشهر هر يك دارای چند زبانند ولی شغلشان همان حالی است .

تعلیمات مدارس باید بزبان فارسی باشد

پس جمیع تعلیمات مدارس ملیه ما بدون استثناء باید بزبان فارسی باشد ، زبان اجنبیه سوای دوبرخی از مأمورین وزارت خارجه که لازم است ، در سایر طبقات جز فساد اخلاق نزیاد چنانچه امروزه مشهود و معلوم است

مقصود از این بیان آن است ، که جمیع علوم و فنون مروجّه عصر حاضر باید بزبان فارسی در مدارس ایران تعلیم داده شود ، چنانچه مروجّه جمیع ملل و دول مترقی است .

در زبان ثانی که در جمیع مدارس ملل مقدمه مروج و ذکرش سبقت یافت هیچ علم و فن دوس داده نمی شود ، فقط ادبیات و اصطلاحات و محاورات زبان می آموزند ، ظاهراً است ، که اگر بنا شود اطفال ایرانی علوم و فنون را بزبانهای خارجه تعلیم یابند ، يك حصه بزرگ از عمر شان در طریق تعلیم زماث اجنبیه صرف خواهد شد ، و عاقبت میسائه صد طفل يك نفر هم بکنه نکات علمیه بر نخواهد خورد چه تمام توجه خود را در فهم لغت صرف می نماید نه درك مسئله

بعقیده جمعی علت اینکه تا کنون جوانان ایرانی که هزاران برای تعلیم در اروپا رفته هیچ نکته فنی را درك نه نموده همین است ، و نظیر آن هم در هندوستان مشهود است ، که زاید بر چند ملیون تعلیم یافته و انگلیسی دان موجود ، ولی جز زبان آنهم بطریق ناقص هیچ علم و فن نیاموخته اند اگر علوم را بزبان خود آورده تعلیم می یابند اقلاً در چند ملیون تعلیم یافته چند نفر پیدا میشوند که علمشان فائده بحال ملک و ملت داشته باشد ، ما خود مبدانیم هندیا را موانع خارجی هم در پیش است و چاره جز این ندارند

بالجمله چیزی که بحال ملک و ملت فائده بخشد علم است نه زبان اجنبی ، صرف به علم است نه بدانستن

زبان خارجیه . پس عقیده ما این است که در مدارس ملیه ایران ام از ابتدائی و رشدی و عالی فقط زبان نانی تعلیم باید عربی باشد ، چه هر زبان مذهبی است ، و هم مربوط بادیات فارسی ، البته در مدارس خاصه سلطنتی و دارالمعلمها و دارالفنونهای دولتی که در هر ایالت باید افتتاح شود زبان دوم تعلیم را بملاحظه احتیاج و مناسبت از روسی ، انگلیسی ، فرانسوی ، آلمانی ، و غیره قرار میتوانداد این اصول مسلم است که داعی بر یک ضرورت بزرگ یعنی رفع و دفع یک نقص عظیم برای ملت ایرانیه میباشد که عبارت از ترجمه جمیع علوم و فنون بزبان فارسی و ترتیب کتب تعلیمیه از ابتدائی و رشدی و عالی باشد ، حق این است که امروزه کتب آلمیمیه مدارس ملیه جدیده ما هم جالب سرعت ترقی شاگردان نیست ، و عیب کار این است که فقط ترجمه شده ، و مراعات وضع تمدن و اخلاق و آداب قومی و سرعت انتقال اطفال و غیره را نکرده اند و علت آنهم شخصیت است ، یعنی اگر اجماع معارف حسابی داشتیم و کتب مترجمه و مؤلفه را در آن پیش می نمودند و حکم و اصلاح می شد نقائص او رفع میگردد **لزوم دارالترجمه در وزارت معارف**

وزارت معارف را لازم است که یک اداره مخصوص ترجمه قائم نماید و جماعتی از علما و فضلا را با مواجب کافی باین شغل خطیر بکارند تا علوم و فنون را بزبان فارسی ترجمه نموده کتب ضروریه تعلیمیه را ترتیب دهند ، تا اقلأ رفع ضرورت تعلیمات امروزی بشود ، در تکمیل علوم و فنون لازم است برای ترجمه کتب مبسوطه فیه اعلان دهند و اسام شایسته مقرر دارند تا از خارج و داخل ایران آن کتب بزبان فارسی ترجمه شده بوزارت معارف پیش شود

اینک دو خارجه ایرانی و ایرانی نژادان که قابل ترجمه هرگونه کتب مشککه فیه بزبان فارسی باشد بسیار داریم ، هرگاه انعام بقاعده مقرر شود در قلیل زمان جمیع علوم و فنون بزبان فارسی ترجمه خواهد شد و رفته رفته شاگردان مدارس ملیه خودمان در هر علم و فن کتب بسیار تألیف و تصنیف خواهند نمود ، و مانند سایر ملل در هر علم و فن دارای صد ها کتاب مبسوط و غیر مبسوط خواهیم شد

شک نیست که اقدام درین امر یک مشکل بزرگ ما را پیش خواهد آورد چرا که خودسری در ونگ و ریشه ایرانیان مدتهاست جای کرده و ازین راه طرز تحریرات ایشان هم خود سری گرفته هرکس هروضع که پسند اوست بدل خواه خود رسم تحریر اختیار نموده ، اصول کلیه در هیچ امر مراعات نمیشود ، ازین رو نه لغت صحیح داریم ، و نه اصولی که هر لفظ را بجای خود استعمال نمایم ، و نه طریقه که الفاظ خارجه را در زبان فارسی مستعمل داریم تا جائی که یک لغت جدید را بچند لفظ مروج میداریم ، مثلاً محلیکه قطار راه آهن می ایستد یکی استاسیون میگویید دیگری استیشن مینویسد ، سوم ایستگاه می خواند و این نقص بزرگ خیلی مانع از سرعت تعلیم در زبان فارسی شده ، ازین گذشته از عدم توجه ارباب معارف این قدر در زبان فارسی نقائص روی داده که عمری میبخواهد تا شاگرد در رسم الخط و املا و انشای آت مهارت تامه پیدا کند یعنی کامل شود ، و حال آنکه زبان فارسی را اگر با اصول صحیح تعلیم دهند اسهل جمیع زبان هاست و دفع این نقص کار بنده و عمر و زید بیست از وظائف معظمه وزیر معارف است ، ورنه بدوشت جنبه سالها عمر اطفال سپهوده و بی نتیجه صرف خواهد شد ، این مقاله موضوعی علاحده دارد که انشاءالله ما شرح و بسطش در موقع خود خواهیم نگاشت بر سیل اجال میگوئیم -

وزارت معارف را لازم است ، که از دانشمندان و فضلاء علم اللسان هبشی را انتخاب نماید تا بدوآ کتاب لغتی ترتیب دهند که دارای جمیع اصطلاحات و محاورات جدید و قدیم هر طبقه و صنف باشد ، و ماده هر لفظ و طریق استعمال و اصلیت او که از کدام لغت است از همان کتاب معلوم شود ، و دارای تصویرهای ضروریه باشد ، یعنی بعضی اشیاء جدید که عموماً مسبوق بر او نیستند ، و رؤیت لازم دارد نقشه او را در مقابل آن لفظ رسم نمایند و هر سال آنچه الفاظ جدید در زبان داتر و تازه پیدا شود ضمیمه بر آن کتاب قرار دهند تا اقلأ زبان فارسی دارای لغتی جامع شود تا باین وسیله ترجمه کتب سهل و آسان گردد ، و زبان وسعت پیدا نماید و برای اشیاء جدیده سی کنند تا ممکن

است لفظ فارسی پیدا نمایند و اگر يك لفظ پیدا نشد و دو لفظ فارسی را با مناسبت مرکب کرده يك لفظ قرار دهند و در صورتی هم که مجبور باشند استعمال الفاظ اجنبیه شوند آن لفظ را بلباس لغت خود بیرون آرند و خیلی مراعات کنند ، که استعمالش بزبان عام و خاص ثقیل نیوفتد ، و استعمالش بر گوشهای مستمعین سنگین نه نماید ، با الفاظ مروجه خودشان چندان مغایرت نداشته باشد ، صحت استعمال الفاظ اعم از فارسی یا غیر فارسی همان قرار داده شود که هیئت مخصوص وزارت معارف قرار دهد و در لغت هم همان قسم اشاعت یابد ، بدون این ترتیب اصول کلیه در زبان پیدا نخواهد شد ،

بواقص دیگر زبان فارسی را هم که مانع از سرعت تعلیم است همان هیئت رفع و دفع تواند کرد هیچ جای شبهه نیست که امروزه تعلیم زبان فارسی بسیار مشکل و قاص آن از حد بیرون است ، ما در موقع دیگر شرح آن را خواهیم نگاشت و طریق اصلاحش را هم بیان خواهیم کرد ، زبان فارسی اگر رفع نوائش بشود در سه ماه تعلیم میتوان خواند و نوشت بطریق صحت ، بلکه اگر در غلط خواندن و نوشتن تعدد شود نتواند

وزارت معارف بدون بودجه

(اسم بلا رسم است)

زرگترین امری که امروزه وزارت معارف را در پیش و باید مقدم بر جمیع اقدامات دارد همان ترتیب بودجه جمع و خرج است ، چندان لازم به بیان نیست که ترتیبات معروضه فوق مصارف هنگفت در کار دارد ، و امروز بودجه جمع و خرج وزارت معارف منحصر بدارالفنون است ، و آهم از خزینه شامشاهی داده می شود ، مسلم است که دولت با این خرابی مالیه مقتدر نیست که مصارف هنگفت تعلیمات ملیه را متحمل شود ، و در صورت اقتدار و تحمل نیز شایسته نباشد که اینگونه مصارف تحمیل بر خزانه شامشاهی شود ، وزارت معارف چهار مد دخل برای مصارف تعلیمات ملیه به تدریج پیدا میتواند نمود

(۱) وزارت معارف بدوا باید از روی سرشماری هر ایالت اندازه لزوم مدارس ابتدائی و رشدی و عالی را نموده مصارف آنها را از روی صحت معین نماید ، و سپس ملاحظه کند که از روی اعتدال کدام

طبقات بیشتر فائده از تعلیمات حاصل خواهند نمود از روی تساوی يك گونه مساعده بر آنها تحمیل و در جزء بدی بدولت وصول و تسلیم صندوق مالیه معارف شود

در حصول اینگونه مساعده در فلاحین و ملائکین بر مالیات افزوده می شود و در اصناف باصنافه شان می افزایند ، و از تجار و امثال آنها بوضع دیگر این مساعده را حاصل مینمایند

عقل و تدبیر باید چنان بکار رده شود که ظلم و تعدی يك طبقه نشده طبقه دیگر بمقت فائده حاصل نه نماید ، حصه از آنچه اداره بلدیة نیز وصول می نماید باید در عمر تعلیمات داده شود اگرچه ضوابط و قواعد کلیه باید در وزارت معارف طهران ترتیب شود ، ولی جزئیات را باید باختیار اداره معارف هریالت گذارد ، و آنچه باسم مساعده تعلیم از هر ایالت وصول گردد باید در همان ایالت وصول و صوبه نیز خرج شود ، یعنی تحمیل بر شیرازیان در تعلیم طهران صرف نشود که ظلم بین و هرگز ملت زیر بار نخواهد رفت ، همان قسم باید در هر صوبه مستورا العمل وزارت معارف انجمن معارف بودجه جمع و خرج ترتیب داده و در صدی بیست از آنچه وصول شود باسم معارف در خزینه شامشاهی سپرده آید ، تا موقع خود بمصرف تعلیمات ضروریه و خصوصیه در آید ، درین صورت حین ضرورت وزارت معارف و انجمن معارف هر صوبه میتوانند از خزینه شامشاهی نیز مدهای مخصوص حاصل نمایند انجمن معارف هر صوبه باید ملاحظه تعلیمات هر شهر و قصبه و ده حق ایالات را به باید تا هرچه درین راه از آنها وصول شده خرج تعلیمات خودشان شود ، بلی باعضای اعضای انجمن معارف هر صوبه ممکن است که اگر و اصلاحات تعلیمیة يك مرکز کافی از تعلیمات ضروریه نباشد از صندوق وزارت معارف کمک داده شود و در حین احتیاج از خزینه شامشاهی هم مدد حاصل تواند نمود

مسلم است که باین اصول باعضای مجلس شورای ملی دولت در کمال سهولت میتواند مصارف تعلیمیة ملت را حاصل نماید ، و چون ملت را اطمینان حاصل شود که آنچه درین راه میدهند صرف خودشان خواهد شد با کمال رغبت و رضا خواهند داد

اعضای انجمن معارف هر ایالت نیز مثل وزارت معارف مرکزی باید از دانشمندان و معتمدین ملت هم از خارجه و داخله تبعه یا غیر تبعه شرفاً انتخاب شوند و هرکس در اظهار رأی خود آزاد و بکثرت آراء پای بند باشد، ولی در هر صورت انجمن معارف مرکزی پای تخت خواهد بود و بکلیات قوانین پای بندی خواهد نمود

انجمن معارف هر ایالت را لازم است که برئیس مدارس و معلمین و ملازمین اطمینان کامل نه نموده یعنی اکتفا بر بورت آنها نکرده مأمورین مخصوص که شغلشان فقط نگرانی مدارس باشد مقرر کرده که دوره نموده از انتظامات و تعلیمات و وضع دخل و خرج مدارس و سلوک و رفتار معلمین اعم از شهر و دهات با انجمن معارف اطلاع دهد. و سالانه انجمن معارف هر ایالت و ولایت رپورت مفصل حالات تعلیمی و اخلاقی و عده شاگردان و معلمین و درجه تعلیمات و جمع و خرج آن و ترقی و تنزل شانرا بامضای هیئت اعضای انجمن معارف بوزارت معارف بفرستد

(۲) دخل وزارت معارف از ماهانه شاگردان است در صورتیکه تعلیم اجباری جاری شود تا آن درجه تعلیم که اجباری است باید ماهانه از شاگردان گرفت، ولی از آن درجه به بالا باید از شاگردان مشاعره گرفته شود ولی به اندازه ~~که~~ قفرا و متوسطین از عهده ادای آن برنیایند و بدین جهت به تعلیمات ملت نقصان وارد آید

وضع نهار دادن که اسباب آجیل خوردن اعضای مدرسه باسم شاگردان است البته باید موقوف شود، و این عبداللطیفی از دربار بمکاتب ملیه سرایت کرده حالا که این مرض منحوس از دربار مرتفع شده از مدارس هم باید مرتفع گردد

در محاکم متقدمه اصول شام و نهار مدارس بدین وضع دائر است، که عمارات مخصوص، متعلق بمدارس و یا حجره های متعدد مانند مدارس قدیمه ایران معین نموده شاگردان شبانه روزی را قبول کرده هم کرایه مقام و هم خرج نهار و شام از آنها گرفته می شود، در ایران خواه خواه ایجاد این گونه مدارس لازم خواهد افتاد، ولی غیر از این اصول طعام داری مدارس را انسان شرم می نماید

اشاعت دهد چه وقتی ملاحظه صورت جمع و تفرج بعضی مدارس می شود مصارف نهارشانی از جمع مدها پیش است، این وضع عیوبات بسیار دارد که باید از مدارس ملیه مرتفع داشت، ارتقاع این امر فرع آن است که اوقات کارهای دولتی و ملتی را تغییر دهیم، یعنی اوقاتی که در جمیع محاکم متقدمه برای کارها جاری و مروج است اختیار نماییم، این عنوان از موضوع بحث ما خارج است باز گردیم بمطلب خود

(۳) دخل وزارت معارف حاصل میتواند نمود از فروش دستکارپسلی شاگردان است و این در صورتی حاصل تواند شد که علم و عمل را مانند ژاپوش در مدارس خود توأم قرار دهیم، این اصول اعم براینکه ملت را لایق و مستعدکار میکند و در قلیل زمان صناعت در مملکت کسب عمومیت مینماید ملت و دولت را تا درجه از یگانگان مستغنی می ازد، مملکت را صاحب ثروت میکند، اداره متعارف را مدد کلی می رساند، در سال هزار و نهصد سی و پنج بالغ بر نصف مصارف تسلیمه ژاپون از فروش دستکارپسلی شاگردان مدارس حاصل شده، مسلم است که اگر در ایران هم این اصول اختیار شود ازین مرمصارف تعلیمی را مدد کلی خواهد رسید

(۴) مدمداخل وزارت معارف موقوفات خیراتیهای همومیه میباشد، و آن منوط است باطمینان ملت ازین وزارتخانه، و ملت را در صورتی اطمینان حاصل تواند گردید که حسن اداره و نگرانی نامه ملاحظه نموده یقین حاصل کنند که دیناری درین اداره، حیف و میل نمی شود، در آن حال میلیون ملیوز خیرات و مبرات خصوصی و عمومی است که ملت در راه ترقی معارف نموده در قبضه این ادار جلیله خواهد سپرد، امریکائیا و اروپائیا ~~که~~ میلیون ملیون خیراتیهای عمومی و خصوصیه دورا تعلیمات خود نموده و می نمایند از آسمان نیامده ملت ایرانیه در خیرات و مبرات از هیچ ملت عقب نیست، فقط اطمینان واعتماد درکار است، بدینجنا ملت ایرانیه درین قرن با هیچ هیئت صادقه مصادف نیامده و یکدفعه سلب اطمینان از جمیع طبقات شد، اگر وزارت معارف از پوست کاری و حسن اداره بتواند جالب اطمینان ملت گردد بلا شبهه در قلی